



فهرستبرگه منابع چاپ سنگی - اداره مخطوطات

۷۲

شماره ثبت:

۲۵۵۷۶

رده بندی دیوبی: ۱۳۱۸ خ ۳۴۷ ع ۲۹۷/۷۷۷

سرشناسه: عبد القفیم، جواد، - ۱۳۱۵.

عنوان قراردادی:

عنوان: خصال العظیمیه در ثواب زیارت حضرت شاه عبد العظیم

کاتب: محمد حسن کلپایغانی - یحیی بن محمد باقر شیخ

محل نشر: تهران ناشر: خانم علی امیر تاریخ نشر: ۱۳۱۸ ق

صفحه شمار: ۱۶، ۴۲، ۱۶۷ مصور ☐ درسی ☐ گراور یا افست ☐

زبان: فارسی ابعاد: ۱۶ x ۱۵، ۵ نوع خط: نسخ

روش تهیه: وقفی ☐ اهدایی ☐ خریداری ☐ ارسالی ☐

توضیحات: ماعلم تاریخ ثبت: -

یادداشتها: ۱. مصدر ب غلفنامه ۲۰. در ابتدا در دو صفحه مجزا

حضرت شاه عبد العظیم آمده است. ۳. شرح ضمیمه: مؤلفین

موضوع (ها): ۱. عبد العظیم بن عبد الله (ع)، - ۲۵۰ ق. - زیارتنامه ها

۲. ستان حضرت عبد العظیم (ع) - مؤلفین و مقررات.

۳. و غلفنامه ها

شناسه (های) افزوده:

الف. کلپایغانی، محمد حسن، کاتب. ب.

تغوش، یحیی بن محمد باقر، کاتب. ج. عنوان.

فهرستگذار: اسزله تاریخ فهرستگذاری: اسفند ۱۹

۸۵۷۲

— عنوان : بہ ضمیمہ قوانین آستانہ مبارکہ حضرت عبدالعظیم
صورت و قفنام میرزا شفیع خان مستشار الملک کرمانی .

— یادداشتی : آستانہ مبارکہ حضرت عبدالعظیم / نا معلوم
، اہتمام میرزا فتح خان نسی باہر ، ۱۳۱۹ ق . صورت
و قفنام میرزا شفیع خان مستشار الملک کرمانی / نا معلوم
، اہتمام شیخ علی بکر العلوم ، ۱۳۱۹ ق .

۸۵۷۲

شمارہ عمومی کتابخانہ / بخش
وقفی / خریداری تاریخ
طول ۱۴۱۷ عرض ۱۰۶۰۵ شمارہ صفحہ ہا ۱۴ + ۴۴ + ۲۳

مصور ☐ درسی ☐ گراوری ☐ افست ☐

ملاحظات : ۱۔ ۲۔ صورت و قفنام میرزا شفیع خان
۳۔ صورت و قفنام میرزا شفیع خان

نسخ

۸۵۷۲

نام کتاب حضرت شاہنواز علیہ السلام (۱۱)
مؤلف جوار سرمدی / کٹر داور
موضوع علیہ السلام (۱۱) بن عبد اللہ (۱۱) زبان فارسی
سال چاپ ۱۳۱۹ محل چاپ
شماره عمومی کتابخانه / بخش
وقفی / خریداری تاریخ
طول ۱۴۷ عرض ۱۰۰ شماره صفحه ها ۱۴ + ۴۴ + ۲۳
مصور ☐ درسی ☐ گراوری ☐ افست ☐
ملاحظات ۱. ۲.
۲ - صورت وقفنامه میرزا شیخ جان

زیغ

مهر بصر العظمی غلط باشد
غلطی آنجا خصی العظمی غلط باشد
و کل محو و اضافی

ص ۱ نورانی غلط نورانی	ص ۲۵ محو شده عموم محو شده	ص ۱۵ اوز غلط روا صحت	ص ۱۴ اضافه شده ۲
ص ۲ مغور غلط نور صحت	ص ۲۶ نورانی یا محو محو شده	ص ۱۶ ایضا محو شده سطر ۱۴ برای نقاشی	ص ۱۴ کسر غلط کسر
ص ۳ و جلیل القدر واو زنادین	ص ۲۱ ظاهر الف محو شده ص ۲۱ انکه محو شده	ص ۱۷ نظر میکند کند طریقه	ص ۵۳ ارواح صحت روح غلط
ص ۳۳ اباحیاد الفتح مشه	ص ۵۲ رندة الانصاف غلط ۲ محو شده	ص ۱۸ خاتم و هم خاتم	ص ۵۲ اسفند لا اله الا الله وحده محو شده
ص ۴۴ او کسر شده ۹	ص ۶۱ رندة الانصاف ۹	ص ۵۲ در عدم علم غلط حزوز را محو شده	ص ۱۰ از غلط ندانند ۱۱
ص ۱۰ علیه اصفا ۱۰	ص ۵۲ بابا فاش غلط ۱۲	ص ۵۲ محو شده ۱۲	ص ۵۲ محو شده ۱۲

شیخ الفاضل العظمی
حضرت میرزا حسن
کتابخانه آستان قدس رضوی

(ویژه کتاب)
بلایه است اطاعت
و مقامات است نجیب
افا شیخ جمال الدین
فدای عیون
بسیار است اینها
العلماء العظام
خراندین
و هو من
صدر
دین کارخانه
علی اصغر
انجام
فهرست

۲۹۷/۹
۴۴۲
۸۳
۲

۴۲۲۵۷

۴۲۲۵۷

۱۳۱۸

9

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[illegible]

هذا
كتاب يطلب
الحصول الغنيمة في ثوابه
وجلا الشكر خسر عبد العظم
عليه وعلى آله والأمة
التي في النعم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعلنا من أمه خير النبيين وسيد
المرسلين ورحمه للعالمين وشفيق المذنبين الذي
كان نبيا واد من الماء والطهر وصبرا من شجرة
أصبر المؤمنين ولسان الصادقين وزبر
المصطفى علم الهدى خازن علم الله ومخازن
خلفاء هذا الشافين إلى الجنة وحجة الله على
برئيه وحبله المبين لسان الله الناظور يد الله

(القوى)

القوى وجه الله المضي حيا في باب الله
من ممالك بولانية من النار فائل النائن
والفاسطين والمادفين إلى البنا في كفا الأنا
أبي المكارمة والمفاخم عم يتسائلون عن ولايته
القيمة وهي النبأ العظيم ثم لست أن يومئذ
التعظيم الذي يبلغ أمانه شرط الرسالة ولكم
الدين وأمان النعمة وقال الرسول في حقه
من كنت مولاه فهذا علي مولاه اللهم وال
من والاه وعاد من عاداه الذي وجبت
وأمرنا بطاعة صلوة المؤمن وحى على الصلوة
وحى على خير العمل بعشور الدين الضاب بالسيف
والطاعن بالروح والبايع بيمينين والمهاجر
بمجتدين وقائل ببدو حنين الذي نزل على
أعدائه مثل سائل بغداد فاع للكاثر من ليل

(لله)

له دافع وعلا على كنف النبي كسر الاصنام وله
 يدرك فضله العقول والادغام رخ الرسول
 وذو كج النبول وابلائه المعصومين وسيد
 الاوصياء المرضيين الذي عنده ديوان الشيعه
 واسمائهم وهم عند الموت لا يخافون ولا يخشون
 وفي قبورهم لا يغدبون وهم الشهداء والصديقون
 وعند ربهم برزقون ويدخلون الجنة بغير
 مؤل وهم من فرج يومئذ امنون ولا يؤذون
 من خاد الله ورسوله ولو كانوا اباؤهم وابنائهم
 او اخوانهم او عشيقتهم وغادوافيه لا فريب والوا
 فيه الا بعد بن عونا المؤمنين وشفيع لهم عند
 رب العالمين وذاعبهم الى يوم المحشر الى حوض
 الكوثر فيسبهم الجنة والنار للمؤمنين والكفار
 اللدحبه الحبان ونعضه النيران مطلوب لكل طائفة

علي بن ابي طالب صلى الله على رسوله والائمة
 المباهين من اله وسلم شلما كثيرا ولعن الله اعدائهم
 وكان لهم حنن جرم ومصير **وجعل** جنين
 كويدنبد معصيتك اردد كما حضرت كوركارها
 شريعتا احمد مختار خانه زار فرزند حيدر كراو
 ذاكر حضرت حسينه حاجب حر حضرت رضوي
 خازن حضرت عبدالعظيم ^{الشريف} بن ابي بكر ورجل
 محمد جواد الموسوي الذي كان له بر وشا وشعبه او
 سيد كرم ومحمد عليهم عالم ال محمد كل كاشا
 احمد حضرت شاهزاده عبدالعظيم عليه الجنة
 السلام مستحسن بلكه متحنن است كه قد و منزل
 بزرگي و بزرگوارى انحضرت را بدانند بفهمند
 كه چه قدر اعداد داشتند ائمه اطهار و ابا بزرگوار
 وجه قدر انحضرت صاحب علم وجلال و شبا

و زهد و تقوی و زرع بوده و چه مرتبه در نزد
حضرت اندیش الهی جل شانہ نگار دارد و ثواب باز
اینجا را بشنوند و بخوانند تا موجب باری
بیشتر و اعتقاد ایشان گردد و در مقام شکر
کذابی حضرت احدی جل شانہ و تعالی برانند
که چنین نعمت عظمی کبری با ایشان مرحمت
فرموده و فیض شرفیابی باز از آنحضرت و بانهما
عناقره و بواسطه زبانتان نیز گوارا شود
بهشت عنبر شریف خواهند شد لهذا این بند
فیضات علی علیها السلام و کمال خجالت از کتب احباب
احادیثی که در ثواب باری از آنحضرت از ائمه احباب
علیهم صلوات الله الملك المختار علیهم السلام وارد
شده با ترجمه و قبلی از فضایل ان ابوالفضلا
در این مختصر جمع کرد و مستحکم نموده مختصراً

العظمی که پنج حد در ثواب باری از آنحضرت ذکر
شده که چهار دان از علی سیم علیهما وارد شد
و یکی از حضرت علی چهارم و مشتمل است بر پنج
حدیست و فضیلت آنحضرت و قول پنج نفر از
علماء اعلام و جلالت قدران مافرا و
مقام هر چند زیاده از بیست نفر از علماء اعلام
شرح جلالت نبالت احوال آنحضرت وارد کتب
ذکر فرموده اند چون غرض کلیه این مختصر تدبیر
علم در حقه کشف لهذا اکتفا شد بقول پنج
نفر از علماء اعلام و تقریب احوال آنحضرت و اقوال
علماء از در کتاب مستطاب تحفه العظمی ذکر نمود
امید است که این مختصر مطبوع طبع شایع
گردد و اگر نقصی در آن ببینند بخوبی قلم اغما
در کنند این بند غاصه و الدفین از دعا

فرمودند که این کتاب را با الله ششصد و شصت و شصت سال
 معین خواهد بود **اول در کتاب وصایا**
 عالم فاضل کامل امامیه را محمد باقر خلف از شد
 میرزا از بنو العابدین خوانند و این که در شرح
 احوال جمال از نابین اهل عصمت بوده و از کتاب
 ترمذی که در فقه است و باب عین تفسیر کرده
 از احوال خبر طاهر حضرت عبدالعظیم نویسد که
 شهید شایسته در تعلیم که برخلافه عالم بوده
 نوشته عبدالعظیم هو العبد العظیم المذکور
 بمسجد شجره و قبره بزار و قد نص علی زیارت
 الامام ع آیین مو الرضا علیه السلام قال علیه السلام
 من زیار قبره و جنب له علی الله الجنة و قد ذکره
 بعض النسایین یعنی عبدالعظیم که استشهاد
 مستحق است یعنی بنده بزرگ خداست مدفنش

مسجد شجره است قبرش بزار نگاه است متفق که تفسیر
 و نصیح کرده است بزار که در آن امام نامن
 علی بن موسی الرضا که هر که زیارت کند قبر عبدال
 العظیم را واجب میشود برای او بر خدا بخش
 خدا زیارتش را بهشت میرسد و مؤید این حدیث
 شریف فرماید است که میرزا اماره در کتاب روح
 سما و قبر فرموده و رد من زیار قبره له الجنة یعنی
 وارد شده است بیکه زیارت کند قبر عبدالعظیم
 علیه السلام واجب است بر او بهشت و یکی از
 کتابها رجال که مؤلفش نیز مؤلف مجهول است
 مینویسد که نقل بعضی از اصحابنا المعتمدین
 ان الرضا نص علی زیارته یعنی برخی از استادان
 که محل اعتقاد است نقل کرده که امام ضامن راضی
 بقضاء خضر راضی فرموده بر زیارت خضر

عبد العظیم صاحب پیشانی ثابت بعض
 کتب تحفة العزیز ان الرضا علیه السلام قال من
 زارنی بعد موتی ضمنتم له الجنة ولم یقدر علی
 فلیزد اخي عبد العظیم الحسنی بالوی مؤلف
 گوید که در بعضی از کتبهای محدثین که صد
 نشانی از آن شریف رضا خضر امام رضا علیه
 فرمود هر که زیارت کند مرا بعد وفاتم ضامن
 میشود برایش بهشت را و هر که توانائی زیارت
 من ندارد پس باید زیارت کند برادر و عبد
 العظیم حسنی را در دو و امر زیارت و عموم من
 و دیگر اخوان دلال بر فضیلت و ثواب زیارت
 بینهایت دارند از این حدیث شریف بر میآید
 هر که زیارت کند خضر عبد العظیم را خضر
 امام رضا علیه السلام ضامن است که او را بهشت

(زیرا)

من زیارت زیارت منظره متکافیه
 از این حدیث است که ان الرضا خضر علیه السلام
 فرمود هر که زیارت کند مرا بعد وفاتم ضامن
 میشود برایش بهشت را و هر که توانائی زیارت
 من ندارد پس باید زیارت کند برادر و عبد
 العظیم حسنی را در دو و امر زیارت و عموم من
 و دیگر اخوان دلال بر فضیلت و ثواب زیارت
 بینهایت دارند از این حدیث شریف بر میآید
 هر که زیارت کند خضر عبد العظیم را خضر
 امام رضا علیه السلام ضامن است که او را بهشت

زیرا که امر این زیارت شاد دارد که بعد از او
 در ثواب عموم هم دارد و این خوف که بعضی
 اخا العرب نیست بلکه ارتباط معنویست بین
 خضر و انحضرت حدیث شریف در مظاہر الامیر
 ان الرضا علیه السلام قال اذا عجزت عن زیارت حدی
 المحسن علیه السلام فزیارت السید الزاهد العابد
 العظیم بالری فانه اجرک و کفاک هرگاه عاجز
 شوی از زیارت حدی حسنی پس زیارت کن سید
 نادر دنیا و پرستنده خدا عبد العظیم را در
 بدستیکه آن زیارت با آن مردی نیاز میکند
 تو را و کفایت میکند تو را از آزادی جهنم و خود
 بهشت مؤلف عرض میدارد مفاد از
 خدا شریف این است که جزای او را خضر خامس
 عباد برای این خضر است این حدیث و سایر اخبار

(مهریه)

(۱۵)

این حدیث
 در مظاہر الامیر

در شهر از حضرت رضا علیه السلام اخبار از مستقبل است
 که در مدفن حضرت عبدالعظیم علیه السلام محظوظ
 شمعها و روشن شود و بدل حرمت حضرت حسین رضی
 علی شرفها سلام الله خواهد شد **حکایت**
چهارم در قول المؤلف اخبار العظیمین
 الرضا علیه السلام قال من زاد عبد العظیم الحسینی
 بالری کلان کبریا و ابا عبد الله الحسین بکربلا
 یعنی امام هشتم فرمود که هر که از شعبان زیارت
 کند عبد العظیم حسنی را که در مدفن او است
 میباشد مثل کسی که زیارت کرده جناب سید
 الشهداء علیه السلام و ابوبکر بلا و وجه شریف را اینجا
 ثواب شش توایب را ترا اینجا مانند ثواب ثانی
 اینجا است که فرمود الله فی عرشه بنا بر بوی
 عمو و منزلت با منصوصه مثل عرفة که خدا اول

در شهر از حضرت رضا علیه السلام

نظر کند بر ذرات سید الشهداء و بعد توجه
 میفرماید با اهل عرفات و در بر من با من رسید
 که بهشت بزرگ واجب میشود و امام زاده و
 العظیم حضرت عبدالعظیم از حضرت جواد
 روایت کرده که هر که زیارت کند امام حسین
 در شب بیست و نهم مناک و غضا و انشی
 که امید شب قدر است و آن شب هر امر محکم و
 مقدر میشود مصافی خدا و روح صد
 بیست و چهار هزار پیغمبر و در شعبان هم
 با اثر مصافی نماید و روح صد و بیست
 چهار هزار پیغمبر زاد و متاخر باید از فضیلت
 از برای ذرات حضرت عبدالعظیم هم ثابت است
 و هر قدر فضیلت کفایت میکند و اما بعد
 مثل اینکه در هر قدری ثواب یکج و یکم

برای حضرت عبدالعظیم ثابت باشد من باب
عموم قضیه شرطیه امید از هفت با حصول
اجابت و ثابت از قبیل عظیمه منوره و اما
بعضی فرمات که این حرم حکم خارج حسی
باشد اصلا دلالت ندان **حاصل بیستم**
و کما الصدوق فی ثواب الاعمال فقال حدثنا علی
احمد قال حدثنی حمزه بن قاسم العلوی رحمه الله
علیه قال حدثنی محمد بن یحیی الطار عن
دخل علی ابی الحسن علی بن محمد الحاکم من اهل
الری فقال خلک علی ابی الحسن السکوی فقال
انکنت فقلت ذر ابی الحسن فقال اما انک لو
ذرت تبر عبد العظیم عندک لکن کنزاد
قبیل کز علی بن ابی بن سابق از باب علیه
الرحمه و ثابت میکند از مدعی اهل روی

(که بمقتضی)

کتاب فی آستان قدس رضوی

در باب بیست و نهم از کتاب فی آستان قدس رضوی

که بمقتضی با هر نور هادین شرفیاب شد
بود او گفت که داخل شده بر پدر اما حسن
پسر فرمود که کجا بود معروض داشتیم که بزایرت
اما حسن بن علی بن شرف شده پس فرمود
اگر زیارت کرده بودی عبد العظیم را که نزد شما
یعنی در روی مرثیه بود مثل کسب که زیارت
کرده قبر امام حسن را **مؤلف** عرض میداد
این حدیث شریف را مرصداً المحکم والمناظم
ملا صدق زاد شرح اصول کافی در کتاب
توحید پس از آنکه شرح را حوالا لای
انحصار ذکر کرده و مینویسد احوالات
حضرت را مفصلاً در کتاب کبیر خود ذکر کرده
نقل میفرماید باینجهین ترتیب لا انک الحسین
حسن بن علی ذکر فرموده زیارت علی و

(نقصاً)

نقصا لفظی ثانی و در کمال الزام و مفاد و
 این حدیث شریف مذکور است نیز عرض میکند
 با وصف آنکه در اوله سنن شریف است من باب
 عمومیت من بلغ این حدیث معتبر است صدق
 که با مستقی است و علی بن احمد و بر افاق نامند
 و مرحوم مفسرهای استر با و در رجال و سبط
 فرموده گان علی بن اهل مضیا و حسن
 که در اوله سنن است از اوله سنن است ابو الفضل
 العباس است بقول شهید ثانی و غیر نیز
 المذکر بوده و نجاشی منوید بعد از توثیق
 و جلالت و کرامت این حدیث که ابو علی خراسانی
 قاسم بن علی بن حمزه بن حسن بن عبد الله بن
 عباس بن علی بن ابی طالب ثقه جلیل القدر
 مراجع بنا و نیز مفسر فایده که این حدیث کما حق

ذکر فرموده که محتویات و این حدیث را
 از حضرت امام جعفر صادق ذکر نموده اند
 عرضه میدارد مؤلف قریباً این حدیث در
 نزد یکی حله و جزیره بنی بید است که زیاد
 از بیست هزار جمعیت سکنی دارند محل اعتبار
 اعراب صاحب کرامت و خوارق عادت و زقنا
 الله زیارت و در رجال مسطور است که محمد
 یحیی عطار قمی شیخ اصحاب است ثقه و بسیار
 حدیث روایت کرده و کاتبی از وی حادث نقل
 نموده و مجلسی هم این حدیث را نقل کرده بسنده غیر
 پس باید گفت که از دلالتش که ظاهر خصوصیت
 در اینجا ملحوظ نیست بعین فکری از عجز و
 عدم نیست نظیر خطاب با عرابی فکری بعد از
 عرض اعرابی ملک و اهلک و اقصای اهل

بنا و کرامت و خوارق عادت و زقنا
 الله زیارت و در رجال مسطور است که محمد
 یحیی عطار قمی شیخ اصحاب است ثقه و بسیار
 حدیث روایت کرده و کاتبی از وی حادث نقل
 نموده و مجلسی هم این حدیث را نقل کرده بسنده غیر
 پس باید گفت که از دلالتش که ظاهر خصوصیت
 در اینجا ملحوظ نیست بعین فکری از عجز و
 عدم نیست نظیر خطاب با عرابی فکری بعد از
 عرض اعرابی ملک و اهلک و اقصای اهل

فی نهار و مضی که فقها حکم را عام گرفته اند
یعنی خصوص مؤید باعث تخصیص حکم نمیشود
پس دلالت دارد که ثواب زیارت این دو مطلقا
مسئول است یعنی تفصلا خدا ثواب زیارت سید
المشهدا علیه السلام را بر اثر خضعت عبد العظیم
عطا میفرماید و بجهت مرحمت و باره شعبان
حرمان بختیاب و بدل حرمتی قرار داده مؤلف
مختصا عرض کرده دارد باید دانست که مغفرت زیارت
چلیست مرحوم شیخ جعفر نورالله مرقده مؤلف
زیارت حضور است و سلام معروف و معروف
مغفور شیخ محمد حسن هم تفسیر بحضور نموده
و فی الجمع الزبارة فی العرف قصد المرف و اکراما
و تعظیما له و استنباسا به در اصطلاح قصد
زیارت کرده شده است بجهت کرامی داشتن

و تعظیم

بیت

و تعظیم نمودن مرا و از او انش کفرین با و و
عالم است اطلاق بر همه و زند و عیون
مرزاق حیا و لم یذو شیا فکما نماز از حینا
قوله العالم لکم التکاثیر حتی زدتم المقابر
در حدیث غیوای زیارة القبور و غیوای
زیارة المریض و مغفرت زیارت چنانچه در انس
مشهور است همان حاضر شد بمذفن مژور
متصور است سلام کردن و قرآن و دعا
خواندن و طلب مغفرت برای خود و وسیله
فرز و محترم و در زیارت اهل قبور نسبت
بزائر و مژور و مرد و موجب مغفرت است و نسبت
دنبه و جهت زیارت کردن مقابر و مرقد
شاید برای تکمیل مراتب که در زیارت و بنا بر
ابدان و هیات کامل نموده اند و فیض ناشایفی

(باب ۱۱)

باشان رسیده پس از سبک فضا نقطاع میباشند
 بعد از نماز ظاهر میباشند نشان نشد بلکه بیشتر
 و زیاد تر در عالم برونخ بعد از افاضه الهیه بر
 اجساد و اجسام بر فضا نشان بر قبورشان ظهور
 و هر کجا هم باشند کمال بقعه را بمصرع و
 مدفن خودشان دارند و سلب توجیه از آن محلا
 و مورد تنی نماید پس هر که مرودش محرم است
 آمد حاجت مطلب خواست از آن جهت که آن
 قبر مبط ملائکه است بدین اثر هم محرم میباشند
 پس از توجیه حضور و اثرات مرود محرم از خداوند
 رحمن برای زائر خود فضا و مدد خواهد
 دعای مرود هم بعد از اجابت میرسد پس
 هر چه مرود مرتبه اش زیاد تر فضا بر او بیشتر
 میرسد و کتاب مرود از کتاب هدایت الاله

که از مرود شیخ فر علیه الرحمه است مذکور است
 قال النبي يا علي ان الله جعل قبلة و قبر اولاد
 بقعه من بقاء الجنة و عرصه من عرضها فها
 جناب ختمی مایه بعد و صبا و شاه اولاد فرمود
 که خدای تعالی فرماداده است قبر تو و قبر فرزند
 بقعه از بقعهها هست و فضا از فضاها آن ظاهر
 از اولاد سادات میباشد اولاد روحانی
 که شامل علی بشود و جنایان فقط هم نیست
 نظیر معا که هم جنایان نیست هم روحانی هر چند
 حدیث ظاهر و منصف با همه ظاهرین است ولی
 من باب و منقول که نشیبه شده و باریک
 حضرت عید العظیم تر پیرت سید الشهدا علیه السلام
 و حضرت رضا سلام الله علیه و نسب ظاهری و
 ارتباط معنوی اینجناب با ایشان چنانچه عالم الا

کتاب

محمد و را خوانده اند احوال شمول میورد که
 مدفن آنحضرت هم بقعه از بقاع بهشت باشد
 در ثواب الاعمال است که پیغمبر فرمودند در آن
 او احد من ذریه زرتشت بود و ما یقینه آنحضرت هم
 مثل شد بن احوال شمول آورد و الله العالم و
 و برای بصیر شعبان پنج شد هم در فضیلت
 انبیا و اعرض تمام **حدیث اول** در
 النعیم که از ثانیات عالم ربانی حاجی میرزا
 باقر محدث است در روح و دجنان هشتاد و
 فصل حضرت عبد العظیم ذکر کرده که در
 هزار و دویست نود و چهار در نجف اشرف
 علی ساکها الاف النجبه و الخف و زقنا الله
 زباده ارضه بالتعاده و الشرف کما فی از خط
 شریفه کافی الکفاه اسمعيل صاحب عباد و

(فخر الذله)

فخر الذله دینی و ذاتی در فضیلت حضرت عبد
 العظیم نوشته بود و باری کرم و صورتش را
 برداشتم و انرا از هدا بای غریبه و فتوحات
 نجفیه دانستم از انجمله آنحضرت شریف است
 و قوعش دلالت بر صدق میکند و عیاقورا
 الروایه قال قال سمعت ابا حمار الرازی یقول
 دخلت علی علی بن محمد بسرفی فسلته عن
 اشياء من الحلال الحرام فاجابه فلما ودعته
 قال یا ابا حمار اذا اشکل علیک شی من امر
 دینک بنا حینک فاسئله عن عبد العظیم بن
 عبد الله الحنفی و اقرته فی السلام یغنی ابورا
 عبد الله بن موسی و بانی گفت که ابا حمار
 از اهله می بود گفت که داخل شد بستان
 خدمت می سعادت حضرت امام علی نقی علیه السلام

(و بعضی)

و بعضی از مسائل حلال و حرام از انحضرت پرسیدند
خواستیم ذاع تمام مولا بم وافر موی ای ما بخار هرگاه
مشکل شود بر تو چیزی از امر دینت در حد و نحو
پس سوال کن از عبد العظیم حسنی و او را از من ملاک
برساند اعی عرض میکنم ابلاغ سلام از امام کا
افتخار از برای امامزاده والا مقام دارد و امیر
گرفتن احکام دینت از مصداق و ما یبطل
عَنِ الطَّوْحُوتِ لَآ اِلَهَ اِلاَّ هُوَ عَزَّ وَجَلَّ
حضرت عبد العظیم از جانب حجة الله دارد بعلت
آنکه منفی با بد عالم کامل و متقی باشد و آنچه اح
که در مدح علما و اعلام وارد شده من جمله
مَدَّادُ الْعُلَمَاءِ خَيْرٌ رَدِّ الشُّهَدَاءِ و آنچه در باب
مُتَقَبِّلٌ فَرَمُوهُ اِنَّ اَوْلٰئِكَ عَلٰی هَدًی مِّن رَّبِّهِمْ و
اَوْلٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ جمع اینها شامل آنست

در مجلس
مجلس

کریم و آن محدث علم است بفرمایش حضرت
حجة اما الخوارث الوافعه فارحبوا لی و انا احب
ما تهم حجة علیکم و انا حجة الله حجة امام زمان
بوده و بیار و تفصیل این مقام را در تحفة العظیم
کرده ام **حادثه** در بعضی کتب
اخبار مسطور است که در مجلس محدث علم
شرقیاب خدمت سرسقاان امام دهم شد
در مجلس بزرگی و جمع کثیری خدمت امام
دین نشسته بودند حضرت عبد العظیم در آخر
مجلس نشاند امام علی النقی متوجه انبزرگوار
شدند و از آنکس که مقدم بر آنجناب بود
مسئله سوال کردند غا جرسد امام علیه السلام
از حضرت عبد العظیم پرسیدند جواب عرض کرد
پس امام فرمود با شخص عاجز از مسئله خبر

(۳۰)

پس آن شخص برخواست و آنحضرت مقدمه بر او
 نشست باز امام از آنکه مقدمه بر آنحضرت
 نشسته بود مسئله پرسیدند غاخر شد با امام
 آنحضرت جواب عرض داشت پس امام بوی فرمودند
 و مقدمه شدند و همچنین از کسانی که مقدمه
 بودند يك يك مسئله سوال فرمودند و آنجا
 شدند هر که غاخر میشد حضرت بر او مقدمه
 میشدند تا آنکه متصل شدند با امام علیه السلام
 و کمال عنایت در بیان وی فرمودند پس
 با اهل مجلس فرمودند فرمودند این عالم ال
 محمد است باید بدینگونه محترم باشد پس شکی در
 عالمیت او نیست پس آنکه کلام امام است و این است
 که داعی در زیارت مؤلفه عرض کردیم
 السلام عليك يا عالم محمد حبيب

که دال

(۳۱)

مجلس
 حضرت

که دال بر فضیلت بزرگواری حضرت عظیم
 است پس شد شریفاً حد ثابته فجاورد مدینه
 طیبه در کتاب عمده الطالب فی نسب الی طالب
 گفته اما عبد العظیم بن عبد الله بن علی المکنی
 بابی القاسم کازرحله عظیم او هو المدفون فی
 مسجد الشجرة بالریح قبره زیاده قال البخاری قال
 ابو علی محمد بن همام حد غنیه بن عبد الله عن
 علی بن علی عن الحسن بن علی العسکری انه سئل عن
 عبد العظیم بن عبد الله فقال لولاه لقلنا ما
 اغفب علی بن الحسن بن زید بن عبد العظیم بن
 عبد الله که کنیه اش ابو القاسم است مدفون
 است در مسجد شجره ری قبرش زیارتگاه آن
 بخاری است پس مذکور در روایت کرده که سوال
 شد از امام باز درم از حال عبد العظیم بن

(عبد الله)

عبد الله بن فرمود حضرت عسکری اگر نبود عبد
 العظیم هراینه میبگفتیم که علی بن حسن بن علی
 عقب بود داعی عرض میکنم یعنی موجب افتخار
 اخذ از شما زبده میباشد عرض تعریف اینجا
 نه در مدبران کما علف بر رسول الله عدنان
 و از این حدیث بر میآید که اهل سنت و جماعت
 و سنی و بزرگواران حضرت ندانند **حدیث**
چهارم سید الحکماء میرداماد رحمه الله
 در کتاب و اشع سماویة که مختصر مفید است
 در معرفت بعضی از رجال حق و کبار اهل علم
 فرموده من الذابغ الشایع ان طریق الروایة
 من جهة ابی القاسم عبد العظیم
 عبد الله الحسن المذون بسجد الشجرة بالری
 رضی الله و انما من الحزن لانه مدوح غیر

(علی بن ابی طالب)

در کتاب
 و اشع سماویة
 که مختصر مفید است
 در معرفت بعضی از رجال حق و کبار اهل علم

علی بن ابی طالب و علی بن النافذ البصری و المسجر
 الخیر بنیها ذلك و یستحقان جدا و یومر
 له حدیث عرض الدین و حقیقة المعرفة و قول سید
 الماکی ابی الحسن الثالث و لیسنا حقا مع
 من النسب الظاهر و الشرف الباهر لیکنی از این
 سلاسل النبوة و الاطهار کاحد من الناس اذا
 امر و ائمه و کان عند ابائه الطاهرین مرضیا
 مشکورا فکف موصاحب الحکایة المعرفة الی
 قد اورد النجاشی فی ترجمه و هی نطفة بیدار
 قدرد و علوم تربیه و فی فضل و بارقه اخبار و غایة
قد و کس من زاد قبر و جبت له الجنة و ذکر
 الصلوة ابو جعفر بن بابویه فی ثواب الاعمال و قد
 فقال حدیث علی بن احمد لابی جعفر بن بابویه کتاب
 اخبار عبد العظیم الحسنی که النجاشی غلظا

و بالجمله

و بالجمله قول النجاشی و ابن بابویه و غیرها آنکه کان
 عابد و رعا مرضیا بکفی استصحاب احادیثه
 فضلا عما اوید و انما فان الاصح و الاصح و الاصح
 و الاقوال من هذا الطريق من جهة صحیح و فی الدن
 الملایا و الله سبحانه و اعلم الى اخره و آنچه مذکور شد
 ذکر کرده است خلاصه مضمونها پیش میآید
 است که بسا است و طریق و این از حضرت
 عبد العظیم است آنچه را حق گویند که ممدوح
 و مخریج بوثاقت و عدالت نشد اصوصر
 و چند چهار است **اول** صحیح که جمیع طبقات
 عا دایضا بط باشند **دوم** بمرحز که در
 بین شیعه ممدوحی باشد که عدالتش و علم
 معارف و نباشد **سوم** موثق که در بین مسلم
 ثقة غیر امامی باشد و در هر یک از این سه

و اینها همه در حدیث

باید سکن متصل بمقصود باشد و مجهول الحال
 غیر ممدوح و فاسق و بین نباشد و غیر
 سه را ضعیف نامند از مقطوع و مرسل و با آنکه
 در بین فاسق نباشد یا غیر ممدوح و غیر نشد
 اگر چه مجهول الحال باشد و صفها بدین من
 اینست که گوهر شناس بینا و آنکه طلب بینائی
 کرده و با خبر شد اند و حیا میکنند و قبیح می شمارند
 اینرا قطعاً و فرضاً یعنی شبهه در وثاقت و عدالت
 اگر نبود برایش حدیث عرض و اظهار دین و نبیا
 حقیقت معرفت و تصدیقها در دین او و امیز
 اخبار امام از ولایت و محبت و بطریق تاکید
 بمضمون من و الا هم فقد و ال الله دخل فی
 اولیاء الله الذین لا خوف علیهم لا هم یخزفون
 یا آنچه برای او است از نسب ظاهر و شرافت ظاهر

و اینها همه در حدیث

هرینه کافی بود بعلت آنکه بنیت اولاد پیغمبر و اولاد
 او را در مثل یکی از مردم زمانه ایمان آورد و
 بیکهزم و مینا شد نزد پدران ظاهرین خویشند
 شده که جزا داده شده پس چگونه خواهد بود
 که وی صاحب قاصد و حکایت مشهوره معلوم
 است که ذکر کرده است بخاشه در ترجمه او و آن
 حکایت که بگویند تکلم کنند است بزرگی قدر و
 بلند مرتبه او بنامش در فضیلت پادشاه حضرت
 عبدالعظیم اخبار بسیار است بتجسس و آراء
 هر که زیارت کند واجب میشود برای او بخش
 و روان کرده است صدوق استند مذکور از
 آنکه خدمت شاه در مبین را در آن نموده
 و از اهل بی بوده گفت اخلاص بودید و ما
 حسن عسکر علی بن محمد کجا بود عرض داشتیم

(که زیارت)

که زیارت کرد مرا امام حسین علیه السلام پس فرمود
 ایندی که او احکام باشد بدینست که اگر زیارت کند
 بودی قبر عبدالعظیم را که نزد شما است
 بود مثل آنکه که زیارت کرده قبر امام حسین
 و از برای شیخ صدق کتاب اخبار عبدالعظیم
 که بخاشه در غده کتب شیخ صدق ذکر فرموده است
 و بجز این قول بخاشه و این باب که و غیر ایشان
 که عابد و دعا مرخصا کفایت میکند و بعد
 احادیث انحضرت پس صحیح بود که زیارت او مذکور
 و قوی تر و صوابتر از آنکه تر است که احادیث این
 حضرت صحیح شریفه شود الحق بعد از ملا حقه
 حدیث عرض دین که صد و زیارتند میکند
 بوقافه عدالت و اخبار و آراء و در باب
 انحضرت که این مضامین از عدالت که شد است

(بصحت)

بعضه از ند و مرا مام با حاد و اسوال اتر
مطلقا در بگو جای تا مثل نبی **حلی**
عرض در انحض است که در چهارم اشاره بان
است در تحفه العظیمه مشروحا عرض کرده ام و
در این مختصر با ترجمه ذکر میشود قال الصادق
فی ما لیه حدثنا علی بن محمد بن موسی الدقاق و غیره
عبد الله الوتر او جمعا قال محمد بن هرون الصوفی
قال حدثنا ابو تراب عبد الله بن موسی الرضا
عن عبد العظیم بن عبد الله الحنفی قال حدث
علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر
محمد بن علی بن حسن بن علی بن ابی طالب فلما
بصرک قال لی مرحبا بک یا ابا القاسم انزلنا
تحفا فقلت له یا بن رسول الله انی ارید ان
اعرض علیک دینی فان کان مرضیا ثبتت علیه

بعضه از ند و مرا مام با حاد و اسوال اتر

حتى انی فی الله عز وجل فقال فان یا ابا القاسم
فقلت انی اقول ان الله تبارک وتعالی واحد
لبس کثیره شیء خارج عن الحد بن حد **ابطال**
وحد التشبیه وانه لبس بحسب لا صورة ولا عرض
ولا جوهر بل هو مجسم الاجسام و مصو الصو
خالق الاعراض الجوهر و رب کل شیء و مالک
و جاعله و محدثه و ان محمدا صلی الله علیه و آله
عبد و رسول و خاتم النبیین و لا نبی بعد
الی یوم القیمه و اقول ان الامام و الخلیفه
و ولی الامر بعده امیر المؤمنین علی بن ابی طالب
ثم الحسن ثم الحسین ثم علی بن الحسین ثم محمد بن
علی ثم جعفر بن محمد ثم موسی بن جعفر ثم
موسى ثم محمد بن علی ثم انما یؤید ان الله علیه
و من بعد الحسن بنی فیکف الناس بالخلف من

بعد قال فقلت فكيف ذلك يا مولاي قال لا
 يرى شخصه ولا يحل ان يذكر اسمه حتى يخرج
 فبلاء الارض قسطا وعدلا كما ملئت ظلما و
 جورا قال فقلت افردت واولان ولبهم و
 الله وعدوهم عدو الله وطاعهم طاعة الله
 ومعصيتهم معصية الله **واقول ان الامر**
حق والمسئلة في الغيب حق وان الجنة حق و
 ان النار حق والصراط حق والميزان حق و
 ان الساعة اتيه لا ريب فيها وان الله يبعث
 من في القبور **واقول ان الفرائض الواجبة الصلوة**
والزكاة والصوم والحج والجهاد والامر
بالمعروف والنهي عن المنكر فقال علي بن
محمد يا ابا القاسم هذا والله دين الله الذي
ارضاها لعباده فاثبت ثبوتك الله بالقول

(الثابت)

الثابت في الجهاد والامر والامر
 مذکور از محمد بن عبد الله بن بابن کندی که داخل شد
 بر مولای خود امام بن محمد بن ابی امام علی
 النقی ع پس چون در راه بلفظ مر حبا بک که متنا
 بود نعارت و اظهار مر حمت فرمودند یعنی جا
 نور سبغ است بعد فرمودند قوی روشت فایض
 بقین که در زمرة اولیاء ^{الله صیابة} پس خدمتش مقروض
 داشتم که ایفرزند رسول خدای اسند غاوارا
 دانم که بحضور مبارک عرض کند دارم در نیم
 پر اگر پسندید خضرت متنا ب یا شمع بر
 مالبیک حق را اجابت گویم پس رخصت داد
 که بیاور عفا بدت را ای ابا القاسم پس ع
 کردم که میگویم واعنقاد دانم که خدای
 تبارک و تعالی بکبیت نیست مثل او چیزی

(از ممکنات)

از ممکنات که همه محتاج اند ناقص و او اشکال
 من جمیع الجہات و پیراسته از حد فنی صفات
 از او مثل قدرت و علم و خارج است از تشبیه
 بخلوق که جسم باشد یا دیده شود یا عمل قبیح و بیجا
 بکنند و اینکه نیست او جسم که قابل طول و عرض
 و عمق باشد و نه صورت خارجی و نه ذهنی
 و نه عرض که تغییر پذیر باشد و نه جوهر که ممکن
 و حادث و ذوالذات دارد بلکه خدا بیکانه و جسم
 جسمها و صورتها و صوره صورتها است از تنبذ
 عرض و جوهر است پروردگار هر چیز نیست
 و نایب شاه اشياء و قرار دهنده و نوبد ^{اند} دهنده
 همه چیز است و اینکه میگوئیم محمد ^{الله} بن عبد الله
 بنده شایسته خداست و رسول او است خاتم
 پیغمبر است نیست پیغمبری بعد از او تا روز قیامت

(و میگوئیم)

و میگوئیم اینکه پیشوا و خانشین و صاحب فرما
 که اطاعتش لازم است بعد از پیغمبر آقای ^{مثلا} مومنان
 علی بن ابی طالب علیهما السلام پس از او که در امت
 واحد است بعد از او تا خضر هاد و بن پس از خضر
 فرمود بعد از من پس از امام است پس چگونه
 خواهد بود حال مردم میباشند پس بعد از آن
 پس جناب عبد العظیم گفت معروض داشتم پس
 چگونه است ای آقای من امام فرمود بدین
 شخص و حال نیست که اسم آن تا اینکه ظاهر
 پس میگوید من از عدل و داد چنانکه
 شده است از ظلم و جور گفت پس عرض کرد
 و اقرار کرد و صدق نمود و بانه و امام
 و میگوئیم و اعتقاد داریم که دوست ایشان و
 خداست دشمن ایشان دشمن خداست و ظالم

(البشان)

حضرت جعفر صادق علیه السلام

نشان طاعت خداست تا فرمایان ایشان
 خداست میگویم که معراج پیغمبر حق است و
 در قبر و عشت و جهنم و صراط و میزان جیبها
 ثابت و حقیقند و اینکه قیامت است و نیست
 شکی و این و اینکه خداوند زند میبکند هر که
 در قبرها است میگویم که فرشتها و اجبه
 نماز و زکوة و روزه و جهاد و امر معروف
 نهی از منکرند بر امام فرمودای با القاسم
 قسم مجد این خداست که پسندیده است برای
 بندگانش پس ثابت باش با این طریقه ثابت
 دارد تو را خدا بقول حق ثابت و دنیا و آخرت
 مؤلف عرضه میدارد شایسته است این عرض
 دین را شیعان و خصوصاً انحصار بخوانند
 و انحصار را شاهد و گواه گرفته که ما هم برآ

(عقبه)

عقبه ثابت میباشد و السلام و ختم میکنم این
 این مختصر را بجمعی از قول علمای اعلام و معما
 عظام و مرآت جبین احکام در جلال ک قد این
 اما شریقه و الامقام اول شیخ صدق که در کتاب
 من لا یحضر الفقه و تعداد محدثین مبقر مایه
 در دو جای یکی در اسم محدثین و یکی در ذکر کتاب
 حضرت ایشان و کان ابو القاسم عبد العظیم
 الحنفی و دعا عابد است با در قهر سید و علم
 الهی مبقر مایه عیانت که ترجمه او این است حکما
 معروف است برای سید پادشاهان اما در دنیا
 که بلند رتبه است بزرگ منزلت القاسم عبد
 العظیم بن عبد الله بن علی بن حسن بن زید بن
 حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام که در مسجد
 شجره در روی رقبه معنوی مدفون است و خدا

(سرفه)

(۴۵)

این مختصر را
 بجمعی از
 قول علمای
 اعلام و معما
 عظام و مرآت
 جبین احکام
 در جلال ک
 قد این

اما شریقه و
 الامقام اول
 شیخ صدق که
 در کتاب
 من لا یحضر
 الفقه و تعداد
 محدثین مبقر
 مایه

در تذکره اعیان الشریع
در تذکره اعیان الشریع

سه نفر از ائمه ظاهره را از آن نموده جوارد
هاد و عسکری علیهم السلام و امامیه از احادیث
که حضرت عبدالعظیم در این کفره مستفیض شد
شیر شیخ جلیل صاحب عباد و پرفخر الدوله
دبلی است منسوب به ابوالفتح عبدالعظیم بن عبد
الله المحضی الی آخر چهارم عالم و فاضل است
سید علی همدانیست که اجله علمای کرام بوده
در کتاب تحفه لب الالباب در بیان احوال الانجاء
منسوب به داحوالان انحضرت و ذکر احادیث
مذکوره که کان عبدالعظیم بن عبد الله المحضی
صالحا غایب و در عازا هدا صائما غاده و
منهج البله الی آخره مبهره باشد که حضرت عبدال
عظیم علیهم السلام صالح بود و تارک دنیا و پیر
خدا و روزگار و ز مبرک و شبها هم را بیدار

(بود)

بود عبادت خداوند کریم منتهی بود و خداوند
تعالی بکر خودش بر من منتهی گذارده و در من
مرآتو فی عینه بوسیله زبانش انحضرت عنایت
فرموده یکی در شهر ربيع الثاني هزار و پنجاه و
هشت از هجرت حضرت ختمی مرتبت بود و دوم در
پنجاه و سه و با انحضرت مدفون بودند و پیران
حضرت یکی جناب محمد بن هبیم یکی جناب غلام
و اما در انحضرت از جمال الدین عرضه میداد
مؤلف قبرا قراذرها محترم و اما در انحضرت
معلوم نیست مخصوصا و منسوب بالیه و احتمالا
دارد یکی عرض از فرمایش جناب سید این بود
باشد که این بزرگواران هم در روی مدفونند
و صاحب قبه غالبه میباشد و دیگر آنکه مد
در همین بقعه مبارکه بوده باشند چنانچه

(عقبه)

در تذکره اعیان الشریع
در تذکره اعیان الشریع

(۴۸)
 اعتبده ابن اقل خازن المختصر العظمی است بموت
 بکرم نومضاق در دیوان بادر و تحفه عظیمه که
 کرده ام بفرستاده بعضی از آن است که المختصر
 بارسا و صاحب بن و عبادت شناخته شده بامان
 و صد گفتار و دانای بامرکاد بن و مؤخر فائل
 بیکار بسیار حدیث از امام جواد و هاد سلاه
 الله علیهمار وایت کرده است و بخلیفه جانش هم
 ایشان بجناب عبید العظیم مرقوم داشته اند
 و کتاب بوم و لیل یعنی در اعمال شبانه روز از آن
 حضرت هست و زیارت بکر هم هست که بفرجه
 کرده ام عرض مینمایم هر چند صاحب عبادت
 فخرالدوله دلیلی بوده ولی از مرقعین احکام ائمه
 انام علیهم السلام بوده است بیستم مرقوم بخلیفه
 که حضرت عبید العظیم از اکابر محدثین و اعاظم
 (علماء)

بکرم نومضاق در دیوان بادر و تحفه عظیمه که کرده ام بفرستاده بعضی از آن است که المختصر بارسا و صاحب بن و عبادت شناخته شده بامان و صد گفتار و دانای بامرکاد بن و مؤخر فائل بیکار بسیار حدیث از امام جواد و هاد سلاه الله علیهمار وایت کرده است و بخلیفه جانش هم ایشان بجناب عبید العظیم مرقوم داشته اند و کتاب بوم و لیل یعنی در اعمال شبانه روز از آن حضرت هست و زیارت بکر هم هست که بفرجه کرده ام عرض مینمایم هر چند صاحب عبادت فخرالدوله دلیلی بوده ولی از مرقعین احکام ائمه انام علیهم السلام بوده است بیستم مرقوم بخلیفه که حضرت عبید العظیم از اکابر محدثین و اعاظم

بکرم نومضاق در دیوان بادر و تحفه عظیمه که کرده ام بفرستاده بعضی از آن است که المختصر بارسا و صاحب بن و عبادت شناخته شده بامان و صد گفتار و دانای بامرکاد بن و مؤخر فائل بیکار بسیار حدیث از امام جواد و هاد سلاه الله علیهمار وایت کرده است و بخلیفه جانش هم ایشان بجناب عبید العظیم مرقوم داشته اند و کتاب بوم و لیل یعنی در اعمال شبانه روز از آن حضرت هست و زیارت بکر هم هست که بفرجه کرده ام عرض مینمایم هر چند صاحب عبادت فخرالدوله دلیلی بوده ولی از مرقعین احکام ائمه انام علیهم السلام بوده است بیستم مرقوم بخلیفه که حضرت عبید العظیم از اکابر محدثین و اعاظم

علماء و رؤسای اخبار است و از اصحاب امام محمد
 تقی و امام علی نقی علیهم السلام بوده است نهایت
 نوشتل بخدمت ایشان داشته و احادیث بسیار
 از ایشان روایت کرده است و قبرش برباط
 در ری مشهور و معلوم است شیخ نجاشی
 بسند معتبر از احمد خالد برف روایت کرده است
 که حضرت عبید العظیم از خلیفه کریم بوی
 آمد و مخفی شد و در ایوان خانه مروی از
 شعباد و سکه الموالی و زانجامان خدام بکر
 و روزها روزه میداشت و شبها نماز میخواند
 و پنهان بیرون میآمد و زیارت میکرد قبری را
 که در مقابل قبر او است و راهی در میان بود
 میفرمود این قبر مرده ای از فرزندان حضرت
 امام موسی است پیوسته در اینجا میبودند

بکرم نومضاق در دیوان بادر و تحفه عظیمه که کرده ام بفرستاده بعضی از آن است که المختصر بارسا و صاحب بن و عبادت شناخته شده بامان و صد گفتار و دانای بامرکاد بن و مؤخر فائل بیکار بسیار حدیث از امام جواد و هاد سلاه الله علیهمار وایت کرده است و بخلیفه جانش هم ایشان بجناب عبید العظیم مرقوم داشته اند و کتاب بوم و لیل یعنی در اعمال شبانه روز از آن حضرت هست و زیارت بکر هم هست که بفرجه کرده ام عرض مینمایم هر چند صاحب عبادت فخرالدوله دلیلی بوده ولی از مرقعین احکام ائمه انام علیهم السلام بوده است بیستم مرقوم بخلیفه که حضرت عبید العظیم از اکابر محدثین و اعاظم

رده از شب بیا خبر از میشدند از احوال انحضرت
 تا آنکه اکثر مردم مدینه و دانشا خندان پیش شخصه
 از شب که حضرت رسالت پناه داد و خواب نید
 انحضرت فرمود مردمی از فرزندان مرا از سکه الوان
 برخوانند داشت مدفون خواهند کردند در
 سبزه باغ عبد الجبار بن عبد الوهاب و
 اشاره فرمود بجهنم مکانی که در آنجا مدفون
 شد پس انحضرت رفت آن مکان را از صاحب باغ
 بخرم صاحب باغ گفت از برای چه میخری
 این درخت جای این درخت انحضرت خواب
 خود را نقل کرد صاحب باغ گفت من نیز
 اینچو امیر اندام و موضع این درخت با جمیع
 باغ وقف کردم بر انحضرت و سایر شیعیان
 که در آنجا مردهای خود را دفن کنند پس حضرت

(عبد)

عبد العظیم بنیاد شد و بر حنظل بنیاد شد
 کرد بد چو ز او را یزید نه کردند که غسل دهند
 در جبهش رتبه یافتند که در آنجا است خود را
 نوشته بود که منم ابو القاسم عبد العظیم بن
 عبد الله پسر علی پسر حسن پسر بد پسر حسن بن
 علی بن ابی طالب علیه السلام و این بابویه و این فو
 بسند معتبر و این کرده اند که مردمی از اهل
 مدینه بخد مت حضرت امام علی نقی رفت
 از او پرسید که کجا بود گفت بنیارت حضرت
 امام حسن رفته بودم فرمود که اگر زیارت
 میکردی قبر عبد العظیم را که نزد شما است
 مثل کنی که زیارت امام حسین کرده باشد
 این حدیث پیش گذشت چو زیارتها بنیاد
 بود من باب اعاد کریمان لنا ان ذکره

هوالمسك ما كررت بوضوح مكر شد
 عرضه مبدار ما از این بیان معلوم شد نظر
 بفرها بشخص عابد العظم علیهم السلام
 و اقوال علماء الاعلام مثل نجاشی علامه
 مجلسی حضرت امامزاده خرم علیهم السلام فرزند
 حضرت امام موسی کاظم علیهم السلام است و شکی
 نیست چنانکه در کتاب بنده الانصاب و نسبت
 الانجاب که در شرح امام زادگان ری نکات
 و تالیف نمودم عرض شد چنانچه بعضی از
 جهال در عدم علم حضرت امامزاده حمزه
 از فرزندان امام موسی کاظم علیهم السلام دانند
 غلط است و جعل صرف با فرها بشخص
 عابد العظم علیهم السلام که دارای عصمت و غیبت است
 بجای تأمل نیست و احادیث و آورده در
 فضیلت

هوالمسك ما كررت بوضوح مكر شد

زیارت بطریقی زیارت نامه مؤلف شدن
 اینست
 و یا ایها الامیر
 حضرت عابد العظم
 مشهور به یحیی حدیث
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ وَنَدَا لَشَرِيكَ
 لَكَ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَ
 خَاتَمُ النَّبِيِّينَ وَ اَنْتَ بَعَدُكَ اِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ
 وَ اَشْهَدُ اَنَّ عَلِيًّا اَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَليُّكَ اِلَى اللَّهِ
 وَ وَصِيُّكَ وَرَسُولُكَ وَ خَلِيفَتُهُ بِلاَ فَضْلٍ بِنَصَرٍ
 رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ اَشْهَدُ اَنَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ
 اِمَمَّائِنَا اِلَى يَوْمِ الدِّينِ اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَ آلِهِ

هوالمسك ما كررت بوضوح مكر شد

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَمِيرِ الْمُعْصِمِ وَصَلِّ عَلَى عَلِيٍّ
 الْمُتَّقِي وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَالشُّهَدَاءِ
 وَالصِّدِّيقِينَ وَصَلِّ عَلَى جَمِيعِ عِبَادِكَ الْغُثَا
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ
 وَمَوْلَانَا الْحَدِيثِ الْعَلِيمِ أَبِي الْقَاسِمِ عَبْدِ
 الْمَنِيِّمِ الَّذِي قَالَ فِي حَقِّهِ السَّيِّدُ الْأَحَدُ
 الْأَعْلَى وَسَدُّ الْوَرَى يَا مَنَّا عَلِيُّ بْنُ هُوَ
 الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ مَرْزَاؤَ عَبْدِ الْعَظِيمِ الْحَسَنِ
 بِالرِّيِّ كَرَّمَكَ أَنْ زَارَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنَ
 يَكْرُمُكَ اللَّهُمَّ شِفَاعَتِهِ الْمَقْبُولَةُ وَدَرَجَتِهِ
 الرَّفِيعَةُ أَنْ تَقْبَلَ بِهِ كَرْبِي وَتَغْفِرَ ذَنْبِي
 وَلَيْسَ كُلَّامِي وَتَبْلِغَهُ سَلَامِي السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ
 سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ آمِنِ

المؤيد

(٥٥)
 الْمُؤْمِنِينَ وَسَيِّدِ الْوَصِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا بَنَ فَاحِشَةِ الزَّفَرَاءِ سَيِّدَةِ دُنْيَا الْعَالَمِينَ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَدِيجَةِ الْكُبْرَى أُمِّ
 الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْحَسَنِ الْمُحَنِّ
 سَيِّدِ شَبَابِ هِلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا عَالِمَ الْيَوْمِ أَنْتَ الَّذِي قَالَ فِي
 حَقِّهِ قُرْءُ عَيْنِ الْمُؤْمِنِينَ وَغَيْظُ الْمُلْحِنِينَ
 أَبُو الْحَسَنِ الثَّانِي عَلَى سُلْطَانِ السَّلَاطِينَ
 مَرْزَاؤَ بَنِ بَعْدَ مَوْتِي ضَمِنْتُ لَهُ الْجَنَّةَ
 وَمَنْ لَمْ يَغْدِرْ عَلَيَّ يَا رِئِي فَلْيَنْزِرْ أَخِي
 عَبْدَ الْعَظِيمِ الْحَسَنَ بِالرِّيِّ مَوْلَايَ مَوْلَايَ
 أَنَا زَارُكَ فَتَقَبَّلْ زِيَارَتَنَا وَاجْعَلْنَا مِنْ
 ذَوَارِكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا مَنْ تَشَرَّفَ وَاتَّقَى بِشَرَفِ صُحْبَةِ الْجَوَادِ

القي

النَّبِيُّ أَهْدَىٰ عَهْدِي نَبِيَّ الْكَفَىٰ إِنَّكَ لَ
 قَالٌ فِي حَقِّكَ حُجَّةُ اللَّهِ وَوَلِيُّ اللَّهِ وَحَبِيبُهُ
 عَلَيْهِ وَخَافُظُ سِرِّهِ عَلَىٰ مَنْ مَوْسَىٰ الرِّضَاءُ
 مَرْزَاؤُهُ وَجَبَتْ لَهُ عَلَى اللَّهِ الْحَبَّةُ سَيِّدُ
 أَنَا زَاوِيكَ فَاسْتَدْعِ مَرَّةً اللَّهُ تَعَالَىٰ أَنْ
 يُغْنِيَنِي مِنَ النَّارِ وَيُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ السَّلَامَ
 عَلَيْكَ يَا زَاوِي أَخْبَارِ الْأَيَّامِ الْأَخْبَارِ
 وَمَا شَرُّ ثَمَارِ بَنَاتِكَ لِأَطْهَارِ السَّلَامِ عَلَيْكَ
 يَا مَرْقَالَ فِيهِ السَّيِّدُ الشَّهِيدُ وَإِمَامُنَا النَّجْدُ
 الرِّضَا الْمُرْتَضَىٰ ذَا عَجَزَتِ عِزِّي يَا رَوْحَ حَيِّ
 الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَزِدْ السَّيِّدَ الزَّاهِدَ الْعَالِمَ
 عَبْدَ الْعَظِيمِ بِالرَّيِّ فَإِنَّهُ أَجْرَتُكَ وَكَفَالُكَ
 يَا سَيِّدُكَ نَا زَاوِيكَ وَغَارِي بِحَقِّكَ فَاجِرُ
 جَزَاءِ الْخَيْرِ كَجَزَاءِ زَاوِيَتِكَ الشَّهِيدِ الْمَظْلُومِ

السَّلَامُ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدُ وَأَبْنُ سَادَاتِي وَمَوْلَا
 وَأَبْنُ مَوَالِيٍّ يَا أَبَا الْقَاسِمِ يَا عَبْدَ الْعَظِيمِ
 عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عَلِيٍّ بْنَ الْحُسَيْنِ بْنَ مُحَمَّدٍ
 عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ قَالَ
 فِيهِ السَّيِّدُ الصِّفِيُّ وَإِمَامُنَا الزَّكِيُّ الْهَادِي
 عَلَى النَّبِيِّ لِرَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الرِّيَاءِ مَا أَتَاكَ لَوْ
 دُرَّتْ قَبْرِ عَبْدٍ لِعَظِيمٍ عِنْدَكُمْ لَكُنْتُ كَرَّارَ
 قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنَ عَلِيٍّ يَا مَوْلَايَ لِكُلِّ أَحَدٍ سَبِيلُهُ
 وَأَنْتَ وَسَبِيلِي إِلَى اللَّهِ تَعَالَىٰ فِي الدَّارِ
 فَكُنْ شَفِيعِي وَشَفِيعَ وَالِدِي بِحَقِّ خِدَارِكَ
 الظَّاهِرِ بْنِ وَأَبَائِكَ الطَّيِّبِينَ وَجَدَّتِكَ
 الظَّاهِرَةِ فِي يَوْمِ الْفَيْتَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 وَعَلَى رُوحِكَ الطَّيِّبِ بِدَنِكَ الظَّاهِرِ وَعَلَى
 أَبَائِكَ وَأُمَّهَاتِكَ وَأَخْوَانِكَ وَأَبْنَائِكَ وَ

رَحْمَةً

رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
 مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ بِهِمُ مَوْتَانَا وَاشْفِ بِهِمُ مَرْضَانَا
 وَاحْفَظْ بِهِمُ مَسَافِرِنَا وَارْزُقْ بِهِمُ دُيُونِنَا
 وَوَسِّعْ بِهِمُ أَرْزَاقَنَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
 تمام شد این دعا بشارت مومنان بخدا بطول عظمت
 که حق تعالی بفرموده است که هر کس این دعا را بخواند
 العظمی و بیخ حد در فضیلت این دعا که بعضی
 از آنها را در بعضی مقطوع است و قول بیخ نفر از
 علماء اعلام میفرمودند که این دعا را بخواند و این دعا را
 اعشار و اندکی از بشارت فضایل مناقب این دعا
 است و اما تفصیل آنرا از احوال جدا و آباء و اعمام
 و برادران و اولاد و کنیه و لقب و سر تشرف و طریقی
 این دعا را بخواند و وقت این دعا و شرح عرض میفرمودند
 حضور بعضی از علماء اظهر و اخبث از این دعا و در این دعا

این دعا را بخواند که هر کس این دعا را بخواند
 بدست عظمی و بیخ حد در فضیلت این دعا که بعضی
 العظمی و بیخ حد در فضیلت این دعا که بعضی
 بطبع این دعا و بشارت مومنان بخدا بطول عظمت

و این دعا را بخواند
 و این دعا را بخواند
 و این دعا را بخواند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ
 سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ أَنْتَ الَّذِي قَالَ فِي حَقِّهِ الْإِمَامُ
 هَذَا عَالِمُ الْإِسْلَامِ مُحَمَّدٌ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ
 الْمُؤْمِنِينَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ أَنْتَ الَّذِي قَالَ
 فِي حَقِّهِ الْإِمَامُ مَرْحَبًا بِكَ يَا أَبَا الْفَائِزِ أَنْتَ
 وَلَيْسَ أَحَقُّ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا بْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ

سَيِّدُهُ دَنَا فِي الْعَالَمِينَ أَنْتَ الَّذِي قَالَ فِي حَقِّهِ
 الْإِمَامُ إِذَا عَرَضَتْ عَلَيْكَ نِيَّتُكَ فَصَدَّقَكَ
 وَدَعَاكَ هَذَا وَاللَّهُ الدِّينُ الَّذِي ارْتَضَاهُ
 لِعِبَادِهِ فَأَثَبْتَ ثَبَتَكَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ فِي
 الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ الْحَيَاةِ
 الْمَجْتَبَى سَيِّدِ شَبَابِ هَلِ الْجَنَّةُ أَجْمَعِينَ
 أَنْتَ الَّذِي قَالَ فِي حَقِّهِ الْإِمَامُ لَوْلَا لَقَلْنَا
 مَا أَغْفَبَ عَلَيْنَا حَسَنٌ زَيْنُ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا
 سَيِّدُ وَمَوْلَايَ يَا عَبْدَ الْعَظِيمِ يَا عَبْدَ اللَّهِ بْنِ
 عَلِيِّ بْنِ حَسَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ
 أَنْتَ الَّذِي قَالَ فِي حَقِّهِ الْإِمَامُ لَا يَخْلُقُ الرَّجُلُ
 إِذَا اشْتَكَلَ عَلَيْكَ مِنْ أَمْرِ دِينِكَ يَا حَبِيبَكَ مَا
 عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ الْحَسَنِ وَأَقْرَبَهُ مِنْهُ السَّلَامُ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى وَحْشِكَ الطَّيِّبِ بَدَنِكَ

الظاهر

الظَّاهِرُ وَعَلَى أَبَائِكَ وَأُمَّهَاتِكَ وَأُمَّهَاتِكَ
 وَأَخَوَانِكَ كَرِّ شَفْعِي وَشَفْعِي وَالِدِي وَالْمُؤْمِنِ
 وَالْمُؤْمِنَاتِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ
 محض زين بن ابراهيم و زانی ملک نوم ضافی از منام
 کثیره که در باره انحضرت دیده شده که برهانی است
 ساطع و دلیل است قاطع ذکر منام بد و تفصیل
 که افعلایم رسالت امام است ایا حق
 و معرفت معلوم غیبیه و تحقیق ان معرفه الامور
 الغیبیه فی النور ممکنه فوجب بکون فی البقعه
 و در اینکه شیطان بصورت خضر ختمی مریدت
 و اوصیای انحضرت متمثل میشود و اینکه انحضرت
 کثیر الرعایا بوده در کتاب تحفه العظیمه ذکر نموده
 اخبرني رجل فاضل وثقة المسمى بمحمد علي بن
 المعروف بامير ديوان لا يهيج شخص فاضل ثقة

مکاتب

14

فصل في بيان

برای هر یک از اینها

کریم در مثل این و زها نور پست که جمیع نورها
 ازان نور خداوند کریم کسب و گنجایمانند مکر عبید
 العظیم بدستیکه او نور پست از نور خدا که در کتاب
 مسطور ورق منشور ضبط است عرضه میدارم
 مراد از کتاب مسطور ورق منشور لوح محفوظ
 باقران مجید با خضر حجه عجل الله فرجه ثانیاً
 شخص نابصیر و مدک حقیقت میداند که اینجند
 مبارک از دها مبارک این مختصر خارج شد کلام
 الملوك ملوک الکلام از ظاهرش ظاهر موبد
 ثالثاً سوگند باد منکم والله ^{هذه} الرقعة التي ليس فوقها
 شرح اینجند مترقی و قول کثیری از علماء اعلام
 بزرگوار این مختصر و کرامت و خوارق عادت
 که از این مختصر بظهور و بر رسیدن و قبیل شفا داد
 کور و افلیح که در عصر خود برای این مشاهده

[illegible][illegible]

کتابخانه العظمیٰ
مکتبہ قدوسیہ
دفعہ اول
نمبر اول
تاریخ اول

و تشریف
 الملک الدین محمد
 علیه الرحمات کما ترحم
 الانصاف بنیان و بر خیزد از پای
 از میان کاف و کج و سقا و خسته و تنگ
 حاجی و ماکر محمد
 و اعظم طهرانی از
 کتاب تحف العظمی کما اخبار
 العظمی و کما خصایص العظمی کما اخبار
 محمد جواد علیه السلام از کفر و غیبت منسوب به خدا المفسر
 فی زمانه کفر کسر الشراکت خد حق المظلم
 و شر الغی و انما حق اولاد
 من العشرین
 و الاخذ فی شهر
 الاضیاء شهر شمس و کفر و کفر
 من الحجة النبوی علیه الف الف تحية
 کثیر الملائکة فی محمد
 الکلیا

بسمه تعالی شاندر الغریب
 محمدی نمای که مالک کل موقفا
 عمر ششاد بک پهلای حضرت عبدالعظیم علیه السلام از زمان
 سلاطین صفویه که بنای این است انصاف و انصاف
 و سخن و عین میندازد و قرآن و قولت مزارع و اراضی
 موقوفه و انچه منصوب شده که فعلا در تصرف این است
 و جمیع باغات و بنه و مقلد از نمای ملک و وقوع و افرمودند
 و لغت کردند مالک نمود و در زمانه افاضه هر معاویه و المیزان
 شاهنشاهی سعید که هر اصفهان کار و در مقام معاویه
 و در اواخر بجهت دعا کلیه عوالم و اقصای و جباری
 از جمیع مالک بحر و سائر ارض معاویه شده اگر طمع بکند
 بسعی و اهما من جناب طایر اجل عالی قای
 اقامه و افواج خاموشی باشی بر کل
 اسنان مبارک که اختاپد
 کثیر العبد الخاطی محمدی باقر النفرشی الطاهر و عفی عنهما
 ۱۳۱۹

عليه السلام
حضرت عبدالعظيم
قوامي شانه اركي



صورت خطبه اسنان مبارك كه تجمل ظهور و موفور السرد
سپهر امامت در درج خلافت سلطان سر پر ولايت هادي
سبيل رشاد مولاي بنده و ازاد ولي الله الاعظم والامام
النجمة المنظر صاحب العصر والزمان وخليفة الرحمن عليه
صلوات الله الملك المثلان و روح كبر الفوج مقدس
منور و مطهر حضرت امام مراده و لاجب التعظيم و لازم التكريم
دودمان مصطفى و سبيل سليله مرتضوى المولى الجليل
و السيد النبيل صاحب المفاخر و المفاخر ابو القاسم سيدنا
و مولانا سلطان عبد العظيم الحسينى مع اراح ساير ابناء الا
المعصومين خصوصاً سيدنا و مولانا حضرت بن موسى الكاظم

شاه فاجار
مظفر الدين خلجى

وطاهر بن زيد بن علي عليه السلام و على ابايهم النجدة و التكريم فانه
دوام دولت جاوید مدت و بقای سر پر سلطنت اعظم
قد و قدرت شاهنشاه اسلام پناه سليمان بارگاه مولى الا
و الخاقان العظيم السلطان بن السلطان السلطان و الخاقان بن
بن الخاقان بن الخاقان ما خدا الله ملكه و سلطنته و افان
العالمين برة و عدله و احسانه و صحت سلامى جميع امراء
ابو مدت و علماء ملك با شوكت صحت سلامى جميع خدام
مقام با احتشام اسنان مبارك مقدسه منوره بنش و نكو
اغادى دین مبین و مخالفین دولت ابد قرین اقبال فنا فانه
بسمه تعالى شاندر العزیز
قوانیر اسنان ملايك پاسبان حضرت عبد العظيم عليه السلام
بعضوا از آنها از ابتداء نظم و انتظام اسنان مبارك در تولى
منولیان سابق طاب ثراهم مقرر شده بود و برخی در تولى
مرحوم مغفور اقامه را از ابراهيم خان امين السلطان طاب ثراه

که بر ازان مرحوم در تولیت مرحوم امیر الملک و تولیت نواب
نصر السلطنة و نواب برالدوله و مرحوم ناظم الدوله طباطبائی
و حضرت مستطاب اجل اکرم نظام الملک و جناب اجل اکرم خا
اصف الدوله برقرار و مجری بودند و انشاء الله تعالی در
هر تولیتی مجری خواهد بود و فعلا که تولیت حضرت مستطاب
ارفع ابجد اسعد اشرف و الا شاهراده عین الدوله دام افیاء
العالمی است مجری میباشد

اولا از برای حضرت علیه السلام مهر بزرگ است چون مهر
سلاطین بنام نامی از سلطان سلاطین علیه السلام بدین عبارت
فرزند مجتبی که در رج احمد عبدالعظیم لمعه نور محمد
که در بالای فرامین زده میشود و مهر کوچک دیگر
غزال مجتبی عبدالعظیم که در بالای بر و ات زده می شود
و این مهر مبارک را مهر داری است که از طرف فرزند الشرف
هر کس از برای حکومت زاویه مقدمه مقرر میشود باید در

او بوده باشد و این دو مهر مبارک عقیق و در طلا باشد که
شده است و هر کدام یک زمرد سبزیشان دارد و در کپسه
ترمه مر و اربده و زرد رجبه فولاد است و قفل کوچک نفی
دارد و از برای مهر دار مواجبت جیره بقرار سابق مقرر است
چنانکه گذشت و تحویل داری از برای حضرت مقرر شده است
از طرف تولیت که حفظ و حراست موقوفات نماید و اجاره و استیجاره
بدهد و سر رشته داری مقرر شده است که جمع و خرج استانه
مبارک همیشه معین و معلوم بوده باشد و از برای تحویل داری
و سر رشته دار مواجبت معین است چنانچه گذشت و اینست
که در موقع صدور بر و ات سرکاری بر و ات کلا نوشته شده
بمهر مبارک حضرت علیه السلام مزین گردد و مهر متولی پس کلا
تمام شده در اول استند با حضور حکومت و امنای استانه
مبارک بانایب و بچندام و الامقام داده شود که وجیه نقد
ها مجلس گرفته شود

ثانیاً شش کشتن مفروضه و شش سر کشتن و شش ضابطه

در شب و در روز
در کشتن و در سر کشتن
در ضابطه و در مفروضه

و از برای هر کشتی که هیچ نفر اهل کشتن مفروضه است که با کشتن
و ضابطه بیست نفر باشند در اول صبح این بیست نفر باید حاضر
بوده باشند در سمت راست حرم محترم باشند و
نفر خدام و روزگذاشته در سمت چپ باشند پس از
خواندن خطبه است بایه های حرم محترم و ضابطه و کشتن بخیر
بدهند و اهل این کشتن از اول آفتاب تا صبح روز دیگر
کشتن میباشند سوای این اهل کشتن از خدام و الا
مقام احدی حق خواندن زیارت نامه ندارند و این اهل
کشتن در کشتیخانه مبارکه در وقت عصر بمباشرت ضابطه
صرف جاری نمایند کذا در صبح و مفروضه که این بیست نفر

در شب و کشتیخانه صرف شام نمایند با کمال احترام تا

روح بر فوج حضرت علیه السلام بخوانند پنج مجسمه شامست

مجسمه خورشید و ماه و جمیع اهل کشتن و سوای این بیست نفر

بکفر کشتن و بکفر چراغی و بکفر قهوجی که از برای

اهل کشتن مفروضه صرف شام باید بنمایند پس از

شام بیست نفر اهل کشتن فقط ملقم بنشینند

که در ساعت چهارم حرم محترم را بسته پس از آنکه چراغها

چهار چراغ شمع کچی در چهار حرم محترم گذاشته باشد که

تا صبح بسوزد پس از بستن درب کلید در نزد کشتن

بوده باشند که اگر خدا نخواسته کسی شب حرم داخل

با حادثه دیگری از قبیل افتادن چراغ یا غیره روی دهد

مسئله در رب را باز نماید و چنانچه سر کشتن نخواهد

حق بردن کلید ندارد باید در نزد ضابطه بوده باشد

ثالثاً در وقت غروب جمیع خدام حاضر شوند از برای چراغ

بیست و نه روز و ده تا حضرت عبدالعظیم علیه السلام ده تا
 حضرت امامزاده حمزه علیه السلام چهارده عدد لاله در محضر
 چهار لاله در چهار گوشه حرم راست ایستاده سرکش خطبه
 بخواند سلام و تحنیه حضرت علیه السلام و دعا علی حضرت و متولی
 کل خوانده شود با کمال احترام و ترتیب چراغ زده شود کذلک
 پنج منگوار اول آفتاب بر چیده شود در آن روز مخصوص حضرت
 چراغ زدن و بر چیدن سوای سرکش کشتن از روز دیگر
 حق ندارد مگر در نبودن سرکش از روز
 رابعاً از یک ساعت شب قراء حاضر شوند با صلح الحفظ از سمت
 راست و چپ و آن مقابل حرم محترم سمت راست هفت نفر و سمت
 چپ هفت نفر الی ساعت و ده و از ده امام بخوانند و بعد
 الحفظ خطبه بخواند و بروند کذلک یک ساعت قبل از آفتاب
 شوند الی طلوع آفتاب آن بخوانند بعد خطبه خوانده شود و چراغ
 بر چیده شود و بروند و چهار نفر فاری حرم در حرم محترم در وقت

حضور این قراء حاضر شوند و قرآن بخوانند بصوت حق
 تا بعد از اتمام خطبه شب صبح کذلک در شهر صیام در عوض
 شب در ایوان مطهر و از ده امام قرآن نمایند
 خافیه - چهار نفر کفش دارند در دست بالا و پائین از
 قرار هر کدام یک هفته از صبح تا شب الی سینه دیگر حاضر
 کفشداری نمایند و آنچه در یافت شود بطریق معمول هفت
 اسنانه مبارکه هر یک در هفته خود خود ایشانست کلی
 و جزئی سرکش و اهل کشک و سایر خدام هیچکدام حق
 ندارند و در محض مطهر و اطراف حرم سوای حضرت امامزاده
 حمزه علیه السلام که کفشدار مخصوص دارند آن هم از همین طایفه
 است احتیاج کفشداری ندارد ایام زیارتی از هر در که داخل
 شوند از کشک خانه زنانه و غیره حق کفشداری ایوان
 که هفته اوست
 سیای سیاه در شبانه روزی یک مرتبه حرم محترم خارج و

کلید دار و نلک از نلک خرابی بکشد از باقی بین اهلیش
کشیك فتنه شود

دهم - در ب حرم محترم و صحن مطهر النساء ^{حفا}
از شب باید باز باشد و چراغ بسوزد مطابق سیاهه جدا ^{کانه}
و در ب حرم محترم حضرت امامزاده حمزه و حضرت امامزاده
طاهر ^{علیه السلام} الی ساعت سه از شب فته باید باز باشد
و کتابی جمعه و ایام منبر که موقوف بحقیقت است در شهر صبا
حرم مبارک هر سه حرم و صحن باید باز بوده باشد بکجا
و هر شب ر وقت در بستان در حرم محترم حضرت ^{علیه السلام}
چهار چراغ یکی در حرم حضرت امامزاده حمزه ^{علیه السلام} و وعد
باید تا صبح بسوزد و عدد چراغ شبها و توفیر شب جمعه و
شهر صبا بموجب سیاهه جدا کانه است

یازدهم - در زمستان وقت آمدن برف و عا
حضرتی باید حاضر شوند جمیع عمارت صحن مطهر را از حرم ^{محرم}

(و مساجد)

و مساجد و حضرت امامزاده حمزه و حضرت امامزاده طاهر
و مسجد جامع و عمارت صحن را باز و ب نمایند و نهار و خانی ^{معمده}
تخویلدار است

دوازدهم مواجب خدام و الامتاع باید و جبر ^{داده}
شود در اول اسد و غله ایشان دو نلک کندی و یک نلک جو ^{از}
خرمن بار کرده باید بیاورند بحواله تخویلدار و حق تصرف و برد
بخانه خود تخویلدار و انبار حق ندارند و کرایه غله در عهد
تخویلدار است در محاسبه سرکاری حساب نماید

سیزدهم - چنانچه یکی از خدام بر حمت ^{منصب} اصل شود
و کشیك حق پسر بزرگست و مواجب جیره در صورتیکه کمزارد
نومان بوده باشد حق پسر بزرگست و اگر از ده نومان زیاد ^{میت}
باید در بین اولاد ذکور بالتوبه تقسیم شود چنانچه ^{متعدد}
باشد پس از آن لائق دیگر هم داده شود و در صورت نبودن
اولاد ذکور حق اولاد انثا بالتوبه و در صورت نبودن

(اولاد)

اولاد حق پدر و در صورت نبودن پدر حق مادر و در صورت نبودن مادر حق برادر و در صورت نبودن برادر حق خواهر و در نبودن هیچ یک حق وارث شرعیست در ابتدا ^{مبارک} استانه چنین بوده نباید قطع شود و چنانچه کسی در ایام حیات خود مواجب جیره خود را قسمت کند بین اولاد خود بر حسب میل خود مختار است بعد هم بجری خواهد بود

چهارم چنانچه در استانه مبارک ^{جیمی} اضافی محل بوده باشد باید در خزانه مبارک ضبط بود ^{نشد} نادر موقع بمصارف برسد بر حسب امهت ولی کل **پانزدهم** نذورات سرکاری کلا باید با اطلاع ^{سر} کشیکان روز و منولی باشی کل بموجب کتابچه در خزانه مبارک ضبط بوده باشد در موقع بیرون بیاورند

شانزدهم چنانچه در وقت آوردن نقشها محترم طاقه شالی داده شود الی ده تومان جو مستاجر حقاد ^{یست}

و چنانچه اضافه باشد باید در خزانه مبارک ضبط شود و در جزیع ^{مست} محسوب شود

هفدهم نقش را حق ندارند رقبور مندمه که ^{مست} از ایوان مبارک و روافی و مساجد فن نمایند مگر باذن ^{حاکم} مقور از خدمه و خدعه و اهل بلد حق الارض ندارند و از هر محرمی و هزار نباید بدر بان داده شود و بکومان بفروش **هجدهم** چنانچه محض بقیمت استانه ^{مبارک} فو القاده کسر محلی حادث شود از جنس و نقل خدمه نباید کسر شود بخوبی ازار و مینا شرف مستاجر باید از خود بدهند و در ^{سنوا} اینه طلب خود کسر گذارند

نوزدهم چنانچه در بعضی از بقور خدعه و حجرات ^{محکم} که معلوم نموده است قینی فن شود بر حساب از خود ایشان قرائت و مینا شرف مقبره نابود از خدمه است غریبه حق ندارد

موقوفات مدرسه مرحوم مغفور فردوس مکان اف
میرزا ابرهیم خان امین السلطان ابی امیر توبت باحضرت مستطاب
اجل اکرم الفخام اشرف اعظم آباء اعظم مدظله العالی است نظار
بامولی بابشی سرکار فیض انار

(امامت)

عن التوراة	لام غمر	د خط	رحم	لور با و غمر
د غمر	د غمر	د غمر	د غمر	د غمر

امام جماعت واعظم مسجد جامع فوقانی بابا عجمد زابنا جناب
افاضل شیخ جواد سلمہ اللہ تعالیٰ اوام جماعت مسجد جامع تھانی کد
جناب مشرعیتمدارا فاضل شیخ حسین سلمہ اللہ تعالیٰ از طرف فرین
الشرف اعلیٰ حضرت ولی قدرت شاہنشاہی بطریق معمول ہر شا

بجناب شریعتدار افاضی جواد سلمه الله تعالی مرحمت میشود
 یکم خلفه انکسرتکین الماس مقوم بشصت تومان ^{سیخط} موجب
 مبارک بنو سبط حکمران دار الخلافه از باب افطاریه شهر صبا
 بجناب فرزند ^{سیخط} از طرف قرین الشرف مرحمت میشود
 جناب جلالتاب اجل اکرم امیر حضرت دام غره که در جلالت
 بنالت معروف و از اجلای بزرگان است مبلغ چهل تومان
تولیت موقوفات نکیر معروف بکدر نامعتمد السلطان
 افاضی مطابق تفصیل جداگانه **تولیت** موقوفات نکیر
 معروف بفرستاد باعالیجاه نصیر بیک صاحب جمیع است مطابق سابق
 جداگانه **تولیت** موقوفات نکیر میدان زاویه مقدسه
 که ابا عجب با مرحوم شریعتدار افاضی مهدی مجتهد طاب ثراه بود
 نشان الواقع و بعد با ارشاد و لاذا مرحوم سلا بعد سلا
 بعد بطن که بموجب فرمان اعلیحضرت اقدس واحکام علمای مکتب
 دولت تولیت و نظارت باجناب افاضی عینی مشیر التولیه

که با اطلاع و استحضار جناب شریعتدار افاضی حسین و جناب
 افاضی جواد شریعتدار خزانة دار کل صرف شود و همه
 جمع و خرج بوزارت جلیله اوقاف داده شود
موقوفات حضرت افاضی امیر ابوالحسن معروف بماندن
 که سددانک وقف اولاد کوراست و سددانک و قضا
 تولیت با ابا جناب افاضی محمد اندرمانی است و لاذا کور و
تولیت بقعه متبرکه که شیخ المحدثین شیخ صدق علیه السلام
 که ابا عجب با مرحوم شریعتدار افاضی مهدی طاب ثراه بود
 بموجب فرمان مهر لعل مبارک اقدس شاهنشاهی با حجت
 افاضی علی خازن التولیه نواده انحرومت
تولیت موقوفات روضه خانی مرحوم افاضی مهدی
 ثراه که در حصین بنه جنابان و اندرون انحرومت بر حسب
 منولی در عرصه در دهه فاسوراز و ضمه خوانده شود
 که در روز اولی که عودت شود بفرمان اعلیحضرت اقدس و احکام علمای مکتب
 بعد از آنکه در روز اولی که عودت شود بفرمان اعلیحضرت اقدس و احکام علمای مکتب

مَحْضٌ خَالٍ بِحَضْرَةٍ وَمَقْلُوبٌ يَكُونُ فِيهِ لُزُومٌ مِثْلُ

موقوفه

فات صد در دفع پای که که زد
خیز ایضاً به

بسم الله الرحمن الرحيم

السلطان عبدالعظيم الجيوش المصطفى الحسيني قلی محمد خان

ابا انما لا اله الا انت والحمد لله

میر و قنات پنهان ملک پاسبان مولاان عرش فیض
 شایسته عجمه اعظم علیه السلام که از طرف در شرف
 ریش بر علیه الله که امیر دین و دولت و نصرت و کرم
 و نظم و حکم بسیار که موصوف است که در نظر از رفیع
 امیر احمد پادشاه پسر شاه سلطان محمد الحجه پسر دین الله و دین
 است که در دین و صورت و رجب و جبر و انعامات
 سوره در قنات م و جبر و غلبه و رجب و رجب
 رجب الحجه و عشر حریف و دین ۱۲ ۱۱ ۱۰

میر و قنات
 سلطان عبدالعظيم
 الجيوش المصطفى الحسيني

السلطان عبدالعظيم الجيوش المصطفى الحسيني قلی محمد خان

ابا انما لا اله الا انت والحمد لله

میر و قنات پنهان ملک پاسبان مولاان عرش فیض
 شایسته عجمه اعظم علیه السلام که از طرف در شرف
 ریش بر علیه الله که امیر دین و دولت و نصرت و کرم

و نظم و حکم بسیار که موصوف است که در نظر از رفیع
 امیر احمد پادشاه پسر شاه سلطان محمد الحجه پسر دین الله و دین
 است که در دین و صورت و رجب و جبر و انعامات

سوره در قنات م و جبر و غلبه و رجب و رجب
 رجب الحجه و عشر حریف و دین ۱۲ ۱۱ ۱۰

میر و قنات
 سلطان عبدالعظيم
 الجيوش المصطفى الحسيني

نام و فایده
و فایده

در این باب
در این باب

در این باب
در این باب

در این باب
در این باب

در این باب
در این باب

در این باب
در این باب

در این باب
در این باب

در این باب
در این باب

در این باب
در این باب

در این باب
در این باب

در این باب
در این باب

در این باب
در این باب

در این باب
در این باب

در این باب
در این باب

[illegible][illegible]

۱۰
 ۲۰
 ۳۰
 ۴۰
 ۵۰
 ۶۰
 ۷۰
 ۸۰
 ۹۰
 ۱۰۰
 ۱۱۰
 ۱۲۰
 ۱۳۰
 ۱۴۰
 ۱۵۰
 ۱۶۰
 ۱۷۰
 ۱۸۰
 ۱۹۰
 ۲۰۰
 ۲۱۰
 ۲۲۰
 ۲۳۰
 ۲۴۰
 ۲۵۰
 ۲۶۰
 ۲۷۰
 ۲۸۰
 ۲۹۰
 ۳۰۰
 ۳۱۰
 ۳۲۰
 ۳۳۰
 ۳۴۰
 ۳۵۰
 ۳۶۰
 ۳۷۰
 ۳۸۰
 ۳۹۰
 ۴۰۰
 ۴۱۰
 ۴۲۰
 ۴۳۰
 ۴۴۰
 ۴۵۰
 ۴۶۰
 ۴۷۰
 ۴۸۰
 ۴۹۰
 ۵۰۰
 ۵۱۰
 ۵۲۰
 ۵۳۰
 ۵۴۰
 ۵۵۰
 ۵۶۰
 ۵۷۰
 ۵۸۰
 ۵۹۰
 ۶۰۰
 ۶۱۰
 ۶۲۰
 ۶۳۰
 ۶۴۰
 ۶۵۰
 ۶۶۰
 ۶۷۰
 ۶۸۰
 ۶۹۰
 ۷۰۰
 ۷۱۰
 ۷۲۰
 ۷۳۰
 ۷۴۰
 ۷۵۰
 ۷۶۰
 ۷۷۰
 ۷۸۰
 ۷۹۰
 ۸۰۰
 ۸۱۰
 ۸۲۰
 ۸۳۰
 ۸۴۰
 ۸۵۰
 ۸۶۰
 ۸۷۰
 ۸۸۰
 ۸۹۰
 ۹۰۰
 ۹۱۰
 ۹۲۰
 ۹۳۰
 ۹۴۰
 ۹۵۰
 ۹۶۰
 ۹۷۰
 ۹۸۰
 ۹۹۰
 ۱۰۰۰

در هر روز نمود

نقص داران

عالم لا یرایع الکفر دار عالم عالمی سے عالم کفر دار عالم

عجمیہ اور عجمیہ عالم
عجمیہ اور عجمیہ عالم

۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱
 ۴۷۲
 ۴۷۳
 ۴۷۴
 ۴۷۵
 ۴۷۶
 ۴۷۷
 ۴۷۸
 ۴۷۹
 ۴۸۰
 ۴۸۱
 ۴۸۲
 ۴۸۳
 ۴۸۴
 ۴۸۵
 ۴۸۶
 ۴۸۷
 ۴۸۸
 ۴۸۹
 ۴۹۰
 ۴۹۱
 ۴۹۲
 ۴۹۳
 ۴۹۴
 ۴۹۵
 ۴۹۶
 ۴۹۷
 ۴۹۸
 ۴۹۹
 ۵۰۰
 ۵۰۱
 ۵۰۲
 ۵۰۳
 ۵۰۴
 ۵۰۵
 ۵۰۶
 ۵۰۷
 ۵۰۸
 ۵۰۹
 ۵۱۰
 ۵۱۱
 ۵۱۲

فرمان حضرت محمد

در مجلس و اسرار
در اسرار و اسرار

۱۰۰

علا محمد و اس
و اس در ایام فراوان

۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱
 ۴۷۲
 ۴۷۳
 ۴۷۴
 ۴۷۵
 ۴۷۶
 ۴۷۷

فاسد و فاسد
فاسد و فاسد

عبد الله بن عبد الرحمن
عبد الله بن عبد الرحمن

۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

نہاں

در سال ۱۰۰۰
 در سال ۱۰۰۰
 در سال ۱۰۰۰

خبر در این روز که خدایم کرد و فرستاد
و از آن کار در دوا فسرار

ہفت ہفتا

حاکم جهاندار که
 سر را به کمر بست
 سر را به کمر بست
 سر را به کمر بست
 سر را به کمر بست

و سواران هم کار
 کوهنوار
 کوهنوار
 کوهنوار
 کوهنوار

راب
 راب

بر جبهه و هر دوام هر که در دولت
 آصف بود و در دولت
 آصف بود و در دولت
 آصف بود و در دولت

حاکم جهاندار که
 سر را به کمر بست
 سر را به کمر بست
 سر را به کمر بست
 سر را به کمر بست

حاکم جهاندار که
 سر را به کمر بست
 سر را به کمر بست
 سر را به کمر بست
 سر را به کمر بست

حاکم جهاندار که
 سر را به کمر بست
 سر را به کمر بست
 سر را به کمر بست
 سر را به کمر بست

حاکم جهاندار که
 سر را به کمر بست
 سر را به کمر بست
 سر را به کمر بست
 سر را به کمر بست

حاکم جهاندار که
 سر را به کمر بست
 سر را به کمر بست
 سر را به کمر بست
 سر را به کمر بست

حاکم جهاندار که
 سر را به کمر بست
 سر را به کمر بست
 سر را به کمر بست
 سر را به کمر بست

حاکم جهاندار که
 سر را به کمر بست
 سر را به کمر بست
 سر را به کمر بست
 سر را به کمر بست

حاکم جهاندار که
 سر را به کمر بست
 سر را به کمر بست
 سر را به کمر بست
 سر را به کمر بست

حاکم جهاندار که
 سر را به کمر بست
 سر را به کمر بست
 سر را به کمر بست
 سر را به کمر بست

۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰

۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰

عدد حد امد و ابراهام
سارک که در عهد در سلطه حد امد
بدرگاه

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل في خلقه عجائب لا يحصى ولا تعد
وآياته التي لا يدركها العقل ولا تحيط بها الابصار
والله اعلم بالصواب

الحمد لله الذي جعل في خلقه عجائب لا يحصى ولا تعد
وآياته التي لا يدركها العقل ولا تحيط بها الابصار
والله اعلم بالصواب

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 والصلاة والسلام على سيدنا محمد
 وآله الطاهرين
 وبعد فقد حضر هذا المجلس
 الشريف في طاعة الخلق
 والحق والعدل الذي
 لا يخفى على احد
 من عباد الله
 والوقوف في تلك الساعة
 على ما ينبغي
 عبد الله بن الحسين
 بابن المدين

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 والصلاة والسلام على سيدنا محمد
 وآله الطاهرين
 وبعد فقد حضر هذا المجلس
 الشريف في طاعة الخلق
 والحق والعدل الذي
 لا يخفى على احد
 من عباد الله
 والوقوف في تلك الساعة
 على ما ينبغي
 عبد الله بن الحسين
 بابن المدين

مد ظله العالی
 کار برای اسباب سال و ترفیه احوال خدام و الامقام حضرت
 مکرّمه معظه محترمه جلیله نبیله سلیله حضرت خمینی
 و صیبه حضرت شاه و لایث فاطمه مشهوره بمعصومه
 بنیحه الله تعالی فی الارضین و اشرف المخلوقین بعد ابائیه
 الطاهرین امام همام موسی کاظم علیه السلام امام هشتم
 فرقه حقه اثنی عشریه وقف فرموده و رضایت حضرت

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 والصلاة والسلام على سيدنا محمد
 وآله الطاهرين
 وبعد فقد حضر هذا المجلس
 الشريف في طاعة الخلق
 والحق والعدل الذي
 لا يخفى على احد
 من عباد الله
 والوقوف في تلك الساعة
 على ما ينبغي
 عبد الله بن الحسين
 بابن المدين

القدس الهمي جل ثلته العالی را احاطه نمود و معادله شریف
 و من یحکم شعائر الله فانها من تقوی القلوب و اعشده
 و مورد الطاف و منظور نظرائه اظهار کرده و غریبا
 حنا را از برای خود نهیه کرده و دست کبری یوم لا ینفع
 المال و لا بنون قرار داده الحق شخص منصف میداند که
 امیر جلیل و این دیو بی نظیر نبیل از اجلای امرای با اقدار
 بوده و همیشه منشاء امورات عظمه بوده و وزارتها
 جلیله نموده و زارت ارض اندس مشهد مقدس و سبستان
 و وزارت ادربا بجان و زارت طهران و شیراز و وجود
 و عربستان و غیرها نموده و کفایت و کمال طاق
 و در جلالت و نبالت شهر افاق پس از سلاطین صفویه
 موسویه انا را الله تعالی مرقد کس نشینده شد و دیده شد
 کسی موقوفه کلی قرار داده باشد سوای انحضرت مستظا
 و انار خیریه و اوقاف کثیر و بذلهای فوق العاده که فقرا

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 والصلاة والسلام على سيدنا محمد
 وآله الطاهرين
 وبعد فقد حضر هذا المجلس
 الشريف في طاعة الخلق
 والحق والعدل الذي
 لا يخفى على احد
 من عباد الله
 والوقوف في تلك الساعة
 على ما ينبغي
 عبد الله بن الحسين
 بابن المدين

انما شاهدین
الحق و الباطل

مبتدئ بغنا کرده و موجب احباء نفوس کلبه شده از انبیا
زبانده مشاهده شده که فلان از محراب و زبان از تفریح عاجز
هر چند صورت و قنایه در کتاب مستطاب رتبه الانبیا
و نسب سادات الانجاب که از ثانیات این اقل خدام ^{نعم}
مطهره خازن الحضرة العقیقه است و كذلك در کتاب مستطاب
بخفته المظفریه فی تذکره اولاد الائمة مندرج شده در
اوراق محض بقای این موقوفه و بتذکره واقف موقوف منسج
شده والله تعالی اعلم بحقایق الامور و انا العبد الحقیر المذنب
^{المذنب}

بِوَالْوَاقِفِ عَلَی الضَّامِرِ

هَذَا سِتْرٌ كُنْجٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِشَیْنِ

الحمد لله الذی هدانا لهذا وما كنا لنهتد لولا ان هدانا

الله والحمد لله الذی جعلنا من المسلمین بولایة امیر المؤمنین

فقد اقبل الرحمن الرحیم
فما عرفه من هذا ما یجده
بما فی هذا الوقف الا فی حق
التوفیق المبین فی فضله
محیی عشیة الایام
(المدنی غفر له)

علی بن ابی طالب اولاده الطیبین الطاهرین الغر الميامین
صلوات الله علیهم اجمعین والصلوة والسلام علی نبیه
وصقیته وخیرته من خلفه خاتم الانبیاء و اشرفهم محمد
صلی الله علیه و آله و علی وصیه و وزیره و خلیفته
و حافظ سرة افضل الاوصیاء و اقدیم امیر المؤمنین
ابو الحسن علی بن ابی طالب احد عشر من اولاده الطیبین
الطاهرین المعصومین المکرمین ولعنه الله علی اعدائهم
و غاصبی حقوقهم و منکرین فضايلهم الی یوم الدین
و بعد وقف صحیح شرعی و حبس مؤبد علی غرض
بنده ذلیل کنه کار بته دوز کار و سبناه محمد شفیع بن محمد
هکی و نمای سده داند مشاع از جمله شش داند قریه
کارزان نو واقع در محال جعفر آباد ساوه را که محمد و سید
محمد و در بعه ذیل از قنات و زمین مرزوعی با انضمام چنانچه
داند در شش داند یک قطعه باغ و چهار داند از کل

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله الذی هدانا لهذا
ما كنا لنهتد لولا ان هدانا
الله والحمد لله الذی جعلنا
من المسلمین بولایة امیر المؤمنین

اینست در مورد
وقف صحیح شرعی
و حبس مؤبد علی غرض
بنده ذلیل کنه کار بته
دوز کار و سبناه محمد
شفیع بن محمد هکی و
نمای سده داند مشاع
از جمله شش داند قریه
کارزان نو واقع در
محال جعفر آباد ساوه
را که محمد و سید محمد
و در بعه ذیل از قنات
و زمین مرزوعی با
انضمام چنانچه داند
در شش داند یک قطعه
باغ و چهار داند از کل

سند دانت بکچر طاحونه و چهار دانت قلعه و بنوئات عتی

شرق بزرگه لیتمکان غریب کارزان کهنه ملکی دانت

جنوب بستیکی بن مرزاه طغر د شمالی بستر عر نو زان باد

که منعلی پناه دانت و بچادک ملک مضری کارزانست

و چهار دانت از کل شش دانت خان ابرهیم مسکر و چهار دانت

از کل شش دانت بکباب بچال و چهار دانت از کل شش دانت

بکفطعه باغ بونجه قره مزبوره را بر اسنانه مفلسه

حضرت معصومه فاطمه بنت موسی بن جعفر صلوات

الله علیها و علی ابائنا الطاهرین واجدادها المعصومین

که همه سئاله وجه منافع انها موافق بقضیل ذیل بمصرف

قره کارزان بنوازه شش دانت چهار دانت شش دانت بکفطه چهار دانت از کل شش دانت

چهار دانت قلعه و بنوئات عتی چهار دانت از کل شش دانت بکباب بچال

چهار دانت از کل شش دانت بکباب بچال چهار دانت از کل شش دانت بکفطه باغ مزبوره

مخرج شام خدام اسنانه مبارکه و در وضع خوانی لبالی جمعه

برسد و تویست از این باب مستطاب سلاله دودمان مصطفوی

الک

نام خدام اسنانه مبارکه و در وضع خوانی لبالی جمعه

چهار دانت از کل شش دانت بکباب بچال

چهار دانت از کل شش دانت بکباب بچال

چهار دانت از کل شش دانت بکباب بچال

چهار دانت از کل شش دانت بکباب بچال

چهار دانت از کل شش دانت بکباب بچال

چهار دانت از کل شش دانت بکباب بچال

چهار دانت از کل شش دانت بکباب بچال

چهار دانت از کل شش دانت بکباب بچال

چهار دانت از کل شش دانت بکباب بچال

چهار دانت از کل شش دانت بکباب بچال

چهار دانت از کل شش دانت بکباب بچال

چهار دانت از کل شش دانت بکباب بچال

چهار دانت از کل شش دانت بکباب بچال

چهار دانت از کل شش دانت بکباب بچال

۱۹۰۰
 ۱۹۰۱
 ۱۹۰۲
 ۱۹۰۳
 ۱۹۰۴
 ۱۹۰۵
 ۱۹۰۶
 ۱۹۰۷
 ۱۹۰۸
 ۱۹۰۹
 ۱۹۱۰
 ۱۹۱۱
 ۱۹۱۲
 ۱۹۱۳
 ۱۹۱۴
 ۱۹۱۵
 ۱۹۱۶
 ۱۹۱۷
 ۱۹۱۸
 ۱۹۱۹
 ۱۹۲۰
 ۱۹۲۱
 ۱۹۲۲
 ۱۹۲۳
 ۱۹۲۴
 ۱۹۲۵
 ۱۹۲۶
 ۱۹۲۷
 ۱۹۲۸
 ۱۹۲۹
 ۱۹۳۰
 ۱۹۳۱
 ۱۹۳۲
 ۱۹۳۳
 ۱۹۳۴
 ۱۹۳۵
 ۱۹۳۶
 ۱۹۳۷
 ۱۹۳۸
 ۱۹۳۹
 ۱۹۴۰
 ۱۹۴۱
 ۱۹۴۲
 ۱۹۴۳
 ۱۹۴۴
 ۱۹۴۵
 ۱۹۴۶
 ۱۹۴۷
 ۱۹۴۸
 ۱۹۴۹
 ۱۹۵۰
 ۱۹۵۱
 ۱۹۵۲
 ۱۹۵۳
 ۱۹۵۴
 ۱۹۵۵
 ۱۹۵۶
 ۱۹۵۷
 ۱۹۵۸
 ۱۹۵۹
 ۱۹۶۰
 ۱۹۶۱
 ۱۹۶۲
 ۱۹۶۳
 ۱۹۶۴
 ۱۹۶۵
 ۱۹۶۶
 ۱۹۶۷
 ۱۹۶۸
 ۱۹۶۹
 ۱۹۷۰
 ۱۹۷۱
 ۱۹۷۲
 ۱۹۷۳
 ۱۹۷۴
 ۱۹۷۵
 ۱۹۷۶
 ۱۹۷۷
 ۱۹۷۸
 ۱۹۷۹
 ۱۹۸۰
 ۱۹۸۱
 ۱۹۸۲
 ۱۹۸۳
 ۱۹۸۴
 ۱۹۸۵
 ۱۹۸۶
 ۱۹۸۷
 ۱۹۸۸
 ۱۹۸۹
 ۱۹۹۰
 ۱۹۹۱
 ۱۹۹۲
 ۱۹۹۳
 ۱۹۹۴
 ۱۹۹۵
 ۱۹۹۶
 ۱۹۹۷
 ۱۹۹۸
 ۱۹۹۹
 ۲۰۰۰

[illegible]

و فخر خاندان مرتضوی آقای حاجی میرزا سید حسن منولی
 سرکار فیض آثار سلمه الله تعالی و اولاد اجداد مبارک
 الیه که نسلاً بعد نسل دارای تولیت باشند و اگر آن
 هرگاه خدای مخواستند اولاد ایشان منقرض شد با اینکه
 تولیت بخانواده خود ایشان یا بخانواده دیگر منتقل گردد
 تولیت آن بامتولی از عصر است هر که باشد و هم چنین کشیک
 عظام و صاحب منصبان استانه مقدسه که مدبر کشیکها
 میباشد در عصر هر که باشد حق نظارت دارند و با
 و صواب بد ایشان موقوفه مذکور و با جاره داده شود
 با اینکه مخارج از قبیل مخارج قنات و تعمیرات سکنة
 انجا لازم باشد و همچنین در خرید اجناس و مصارف آن
 باید ناظر باشند و شرط شد که اگر انشاء الله اجاره موقوفه
 علاوه بر مخارج فوق که تعیین شده بشود بقدر و بستن
 همه اوقات در نزد تولیت ضبط و حاضر باشد که هرگاه

مخارج خرابی قنات با اینکه خدای مخواستند محصور و افقی
 برسد با اینکه قنات اجناس نرفی حاصل نماید که قنات علاوه
 از آنچه منظور شده بشود بمضاف مذکور با طالع ناظر
 که در شام و سایر مخارج کسر و نقصی روی ندهد و
 از شاء الله تعالی خرابی در قنات بهم نرسد محصور
 نکرد اما قنات جمع شود تا بمبلغ چهار صد تومان برسد
 همینکه بمبلغ چهار صد تومان رسید و بیست تومان
 هم چنانکه ذکر شد نگاهدارند و دویست تومان دیگر را
 یکصد پنجاه تومان میانه خدام مطابق قنات نامی که در
 دارند بصورت نموده بدهند و پنجاه تومان دیگر را به نجف
 بکده تومان باشند از جوانهای عزیز سادات بی چیز خدام
 استانه مقدسه بدهند که عروسی نمایند و هم چنین
 شرط شد که هرگاه قنات اجناس از آن تر از آنچه قنات شده
 بشود تفاوت را روی نخواه بگذارند سال بسال تا بمبلغ

برسد و اگر خدای بخواند گران فوق العاده شد تا اینکه محض
 افق سید منافع از سال هر چه میشود حساب نمایند خارج
 شام را با اندازه دخل از سال قرار بدهند با این معنی که یکشنبه
 بدهند و یکشنبه چلو و اگر خشت بدیش است هفته دو شب
 که یکشنبه و شنبه باشد و یکشنبه جمعه چلو بدهند و پنجشنبه
 آب گوشت و آجیانا اگر خشت زیاد تر شد بشمارای جمع آن
 چلو بدهند و سایر لبای آب گوشت که دخل ملک کافیت خارج را
 بکنند و قرار خارج سال هم این قسم داده شد که محض و نه
 بمختلف ستر اینه برسد و اول سال قرار مینماید داده شد
 که همیشه اوقات پول نقد حاضر داشته باشد تا اجتناب و
 نذار کانت را بجا در موقع ارزانی از حدس بخزند که تفاوت
 کلی بجهت موفوف حاصل شود و شرط دیگر آنکه خدام کشک
 که در هر شب کشک حاضر میشوند باید تا صبح در کشک^{نه}
 مبارک حاضر و بنبوته نمایند هرگاه بخوانند بعد از صرف شام

بخانه خود بروند حق صرف شام را ندارند شرط دیگر آنکه
 روضه خوان کرد و نفر در عرض سال معین شده چون از خود
 ختام بعضی روضه خوان هستند هر سه ماهه و نفر مشغول
 روضه خوانی باشند که در حقیقه هشت نفر روضه خوان
 بخوانند هر سه ماهه و نفر و حق که معین شده باین هشت
 نفر برسد و قرار داده شد که در لبای ایام ماه مبارک
 رمضان طلاب و غریب از وقت افطار شام بدهند و روضه
 بخوانند و شام خدام را در سحور بدهند و شرط شد هر^{اوقات}
 که خدام کشک علاوه از آنچه منظور شده حاضر باشند تا
 آنها موافق بر آورد علاوه شود و هرگاه خدام کشک^{کمتر}
 حاضر باشند موافق سر شمار بر آورد کمتر شام طبع نمایند
 که در علاوه و کمتر فرد وقت ملاحظه شده باشد و خدام حاضر
 بی شام نمایند و بنابر پنج لیل جمعه هجدهم شام در محراب^{بیل} الحرام بود
 هزار و سیصد و پانزده هجری از موقوفه مذکوره تخلیه بدین ملکیت

کتابخانه مرگزی آستان قدس رضوی
(ویسره کتاب)

نسب امامان جلیل القدر الباهر الشمر الظاهر حضرت امام رضا
ظاهر حسینی خردوار حضرت عبدالعظیم خنایچه در زید
الانسابین طاهر بن محمد بن محمد بن حسن بن حسین بن علی
یحیی بن زید بن علی الامام بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام
پیر الحضرین مطهرین طاهر که فادراو زید بن ابی فواد
حضرت عکرمه عظیمه صدیق صغیر زید بن خاتون زید بن اسلا
از علی العریضی ابن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب باخوین حضرت
در غایت محترم مد فونیک بقید الحوائی حضرت و خمار
عادت کدیده شده در زید الانساب ذکر شده
نسب امامان جلیل القدر الباهر الشمر الظاهر حضرت امام رضا
از قرأ مری مد فونیک خردوار حضرت موسی بن ابی هاشم موسی
الامام بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب زید بن
امامان عظیم المثل عبداللہ حسین بن مد فونیک خردواران
عبدالعظیم عبداللہ الاعصر الاصغر عباس بن علی بن حسین بن ابی طالب

بنی علی بن ابی طالب
حسین بن علی بن ابی طالب
نعم لعلی بن ابی طالب
بنی کورمان و شایع
امامان کورمان و شایع
در شایع و شایع
عبدالعظیم و شایع
در شایع و شایع
شایع و شایع
شایع و شایع
شایع و شایع

قدح الوفا
کامر و فای
خردوار



حضرت عبدالعظيم الحنفي

تأليف جواد رشيد

٢٩٧٨

١٤

س

٤٤٢

ح

٢٩٧

١٨٧

٤

٣٢

٢

١٣١